Archive of SID.ir

فصلنامه پژوهش های نوین در علوم انسانی و حقوق دوره ۱- شماره ۳ – صفحات۷۶-۶۰
Journal of new Researches in Humanities and Law
ISSN 3060-6101

تحلیل گفتمان سیاست‌های عدالت اجتماعی در دولت‌های پس از انقلاب اسلامی

محمد نبی بهمن پورخالصی[۱] مهربان هادی پیکانی[۲]
۱-دانشجوی دکتری تخصصی مدیریت دولتی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان(خوراسگان)، اصفهان، ایران.
۲-استادیار گروه مدیریت، دانشکده حکمرانی اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان(خوراسگان)، اصفهان، ایران.

چکیده:

این مقاله مروری با بهره‌گیری از روش تحلیل مضمون به بررسی گفتمان سیاست‌های عدالت اجتماعی در دولت‌های پس از انقلاب اسلامی ایران می‌پردازد. داده‌ها شامل متون رسمی برنامه‌های پنج‌ساله توسعه، لوایح قانونی و سخنرانی‌های رؤسای جمهور در بازه‌ی زمانی ۱۴۰۲–۱۳۵۸ است که با خوانش مکرر و کدگذاری اولیه، سه مضمون محوری عدالت توزیعی، عدالت مشارکتیو عدالت هنجاری، استخراج و بازبینی شد. یافته‌ها نشان می‌دهد هر دولت بسته به اولویت‌های ایدئولوژیک و شرایط ساختاری، بر یکی از این ابعاد تأکید داشته، اما هسته‌ی نظری و ارزش‌های بنیادین عدالت در چارچوب گفتمان انقلاب اسلامی ثابت باقی مانده است. تحلیل رابطه‌ی میان مضامین و مصادیق عملی حاکی از آن است که گرچه سیاست‌های توزیعی و مشارکتی در بسیاری موارد مکمل یکدیگر بوده‌اند، گاهی در اجرا از انسجام لازم برخوردار نبوده و تداومی خطی نداشته‌اند. اهمیت پیوند میان ابعاد توزیعی، مشارکتی و هنجاری برای تقویت کارآمدی و عدالت‌بخشی سیاست‌ها مورد تأکید قرار می‌گیرد. در پایان، پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های آینده بر سنجش اثربخشی هریک از مضامین بر شاخص‌های کمی عدالت (مانند ضریب جینی و نرخ فقر) متمرکز شوند تا امکان طراحی راهبردهای تلفیقی و هدفمند فراهم گردد.

کلیدواژه‌ها: عدالت اجتماعی، تحلیل مضمون، گفتمان انقلاب اسلامی، عدالت توزیعی، عدالت مشارکتی، عدالت هنجاری، سیاست اجتماعی.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

فصلنامه پژوهش های نوین در علوم انسانی و حقوق دوره ۱- شماره ۳ – صفحات۷۶-۶۰
Journal of new Researches in Humanities and Law
ISSN 3060-6101

مقدمه

در ادبیات سیاسی و اجتماعی ایران پس از انقلاب اسلامی، مفهوم عدالت اجتماعی به‌عنوان یکی از ارکان بنیادین گفتمان انقلاب مطرح شده و در لایه‌های گوناگون سیاستگذاری داخلی و خارجی تبلور یافته است. از همان سال‌های نخست پیروزی انقلاب، رهبران و نظریه‌پردازان انقلاب به عدالت به‌مثابه مایه مشروعیت و هدف غایی نظام نوین می‌نگریستند، به‌گونه‌ای که اصل چهارم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بر ضرورت "سیاست‌گذاری در جهت تحقق عدالت اجتماعی" تأکید می‌ورزد. این جایگاه والای عدالت سبب شد تا دولت‌های پس از انقلاب، چه در دوره‌های سازندگی، اصلاحات، عدالت‌محور یا توسعه‌گرا، همواره موضوع عدالت اجتماعی را در رأس اولویت‌های خود قرار دهند و بسته به شرایط داخلی و بین‌المللی، آن را با دال‌های مرکزی متفاوتی مفصل‌بندی نمایند (خواجه‌سروی، ۱۳۸۶).

در پیوند با این اهمیت نظری، پژوهشگران متعددی به تحلیل گفتمانی سیاست‌های عدالت اجتماعی در عرصه‌های مختلف پرداخته‌اند. گفتمان‌شناسان با رویکرد انتقادی معتقدند که گفتمان نه صرفاً مجموعه‌ای از گزاره‌ها و واژگان، بلکه نظام‌های معنایی پیچیده‌ای است که چارچوب فهم و اجرای سیاست‌ها را شکل می‌دهد (لاکلاو و موفه، ۲۰۱۴، به نقل از صفری شالی، ۱۳۹۴). بر این اساس، عدالت اجتماعی در جمهوری اسلامی ایران، در چارچوب گفتمان انقلاب اسلامی بازتعریف شده است، گفتمانی که در آن مفاهیمی چون نهضت تولید علم، جنبش نرم‌افزاری و کرسی‌های آزاداندیشی، به‌عنوان حوزه‌های پیوندی با عدالت اجتماعی مطرح شده‌اند (خرم‌شاد، ۱۳۸۱).

با اندک تأملی در متون رسمی و پژوهش‌های انجام‌شده، می‌توان دریافت که عدالت اجتماعی زیرچتری گسترده قرار گرفته و زیرمجموعه‌هایی همچون عدالت جنسیتی، عدالت سلامتی، عدالت آموزشی، عدالت اقتصادی و عدالت محیط‌زیستی را شامل می‌شود. برای مثال، صفری شالی (۱۳۹۴) نشان داده است که در لوایح و برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی پس از انقلاب، عدالت جنسیتی، حول دال‌های شناور توانمندسازی زنان، اشتغال، حجاب و امنیت زنان مفصل‌بندی شده و هر دولت با توجه به گفتمان مسلط خویش برداشت متفاوتی از آن ارائه داده است. همچنین، در حوزه سلامت، همان نویسنده (۱۳۹۵) تبیین کرده است که سیاست‌های سلامت همواره بر اساس الگوی بیمه همگانی و ارتقای دسترسی توزیعی تعریف شده اما هزینه‌های عمده این نظام بر دوش خانوارها باقی مانده است.

در بُعد دیگری از عدالت اجتماعی، مطالعاتی مانند کردزنگنه و همکاران (۱۳۹۹) به گفتمان توسعه روستایی پرداخته‌اند و نشان داده‌اند که در دوره‌های مختلف پس از انقلاب، با وجود اشتراک دال‌های شناور کشاورزی و اشتغال پایدار، معنا و اولویت این دال‌ها بر اساس نحوه رویکرد از بالا-پایین یا از پایین-بالا تعیین شده است. این پژوهش‌ها حاکی از آن است که عدالت اجتماعی در روستاها، علی‌رغم تأکید بر عمران و نوسازی، با چالش‌هایی همچون اتکا به اقتصاد نفتی و افزایش مهاجرت روستایی مواجه بوده است.

علاوه بر زمینه‌های داخلی، گفتمان عدالت اجتماعی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی نیز مطالعه شده است. پیشگاهی‌فرد و زارعی (۱۳۸۹) نشان می‌دهند که ایران با اتکا بر آموزه" لیقوم الناس بالقسط" سیاست خارجی خود را به‌صورت انتقادی نسبت به ساختارهای ناعادلانه بین‌المللی سامان داده است. در این نگاه، عدالت اجتماعی فراتر از مرزهای ملی تفسیر شده و در قالب حمایت از مستضعفان جهانی و مقابله با هژمونی قدرت‌های بزرگ به کار گرفته شده است. این ابعاد نشان می‌دهد که گفتمان انقلاب اسلامی، عدالت اجتماعی را به سطح ساختاری و بین‌المللی نیز تعمیم داده است (آدمی و ابویسانی، ۱۳۹۵).

با این وجود، هرچند مطالعات جداگانه‌ای پیرامون ابعاد مختلف عدالت اجتماعی ارائه شده است، چند نکته قابل طرح است: نخست آنکه بیشتر پژوهش‌ها به تحلیل گفتمانی بخشی از سیاست‌ها، مانند مسکن، سلامت، جنسیت یا توسعه روستایی پرداخته‌اند، اما تحلیل یکپارچه و تلفیقی که ابعاد مختلف عدالت را در بستر گفتمان کلان انقلاب اسلامی مورد بررسی قرار دهد، کم‌تر به چشم می‌خورد. دوم آنکه روش‌شناسی تحلیل مضمون-که امکان استخراج تم‌ها و نمودهای معنایی در متون گسترده سیاستگذاری را فراهم می‌آورد، در مطالعات پیشین به‌اندازه روش تحلیل گفتمان لاکلاو و موفه به کار نرفته است. سوم آنکه تغییرات گفتمانی عدالت اجتماعی در گذر دوره‌های مختلف سیاسی پس از انقلاب، از دوره دولت‌های مستضعفین تا دولت‌های عدالت‌محور و اعتدال، نیازمند بازخوانی دقیق‌تر و زمان‌مند است.

بر این مبنا، پژوهش حاضر با هدف پر کردن این خلأها، کوشیده است تا ضمن بهره‌گیری از روش تحلیل مضمون براون و کلارک (۲۰۰۶)، سیاست‌های عدالت اجتماعی را در اسناد برنامه‌های توسعه، سخنرانی رؤسای جمهور و قوانین و مقررات کلیدی ایران در بازه زمانی ۱۳۵۸ تا ۱۴۰۲ مورد مطالعه قرار دهد. در این راستا، ابتدا داده‌ها در سه دسته اصلی برنامه‌های پنج‌ساله، لوایح قانونی و متون سخنرانی جمع‌آوری شد، سپس فرایند شش‌گانه تحلیل مضمون شامل آشنایی با داده‌ها، کدگذاری اولیه، جستجوی تم‌ها، بازبینی تم‌ها، تعریف و نام‌گذاری تم‌ها و تدوین گزارش نهایی اجرا گردید.

نتایج اولیه نشان می‌دهد که ابعاد عدالت اجتماعی در دولت‌های پس از انقلاب در سه تم پی‌جویی می‌شوند: عدالت توزیعی با تأکید بر کاهش فقر، توزیع منابع و فرصت‌های برابر، عدالت مشارکتی با محوریت تقویت نقش نهادهای مدنی، کرسی‌های آزاداندیشی و مشارکت گروه‌های اجتماعی و عدالت هنجاری مبتنی بر ارزش‌های اسلامی و شیعی که در سیاست‌های داخلی و خارجی بازتاب می‌یابد. هر یک از این تم‌ها در دوره‌های مختلف سیاسی وزن متفاوتی یافته و به‌طور همزمان مکمل و گاه متضاد یکدیگر عمل کرده‌اند.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

فصلنامه پژوهش های نوین در علوم انسانی و حقوق دوره ۱- شماره ۳ – صفحات۷۶-۶۰
Journal of new Researches in Humanities and Law
ISSN 3060-6101

با توجه به اهمیت نظری و کاربردی این نتایج، مقاله پیش‌رو در پنج بخش تنظیم شده است. پس از مقدمه حاضر، بخش دوم به مرور ادبیات گفتمان انقلاب اسلامی و عدالت اجتماعی اختصاص می‌یابد و مطالعات پیشین در حوزه‌های مختلف عدالت تحلیل می‌شود. در بخش سوم روش‌شناسی مطالعه تشریح می‌شود و چارچوب نظری و مراحل تحلیل مضمون توضیح داده می‌شود. بخش چهارم یافته‌های پژوهش را در قالب سه تم اصلی ارائه می‌کند و بخش پنجم به بحث و نتیجه‌گیری می‌پردازد، در این بخش ضمن تبیین تعامل تم‌ها، پیامدهای نظری و سیاستی استخراج می‌شود و محدودیت‌ها و پیشنهادات پژوهش‌های آتی بیان می‌گردد.

در مجموع، این مقاله با ترکیب رویکرد تحلیل مضمون و گفتمان‌شناسی انتقادی می‌کوشد نمایی جامع از تحول و تنوع سیاست‌های عدالت اجتماعی در جمهوری اسلامی ایران پس از انقلاب ارائه دهد و چارچوبی ساختاریافته برای فهم عمق و گستره این گفتمان در عرصه سیاستگذاری فراهم آورد.

مرور ادبیات

در ادبیات نظری عدالت اجتماعی، رویکردهای بنیادی متعددی تلاش کرده‌اند تعریفی جامع و فراگیر از عدالت ارائه دهند. جان راولز عدالت را به مثابه انصاف معرفی می‌کند و بر توازن میان اصل برابری فرصت‌ها و اصل تفاوت تأکید دارد (Rawls, ۱۹۷۱). این دو اصل مبنای بسیاری از سیاست‌های رفاهی در نظام‌های لیبرال غربی شده است. نانسی فریزر با انتقاد از رویکردهای صرفاً توزیعی، عدالت را مقوله‌ای سه‌بُعدی می‌داند که علاوه بر توزیع منابع، باید مشارکت سیاسی و بازشناسی هویت‌های فرهنگی را نیز شامل شود (Fraser, ۲۰۰۱). آمارتیا سن نیز با تکیه بر نظریه امکانات، نشان داد که ایجاد فرصت‌های واقعی برای تحقق توانمندی‌های انسانی لازمه دستیابی به عدالت است و فراتر از قواعد حقوقی به عملکردهای اجتماعی توجه دارد (Sen, ۲۰۰۹). این سه رویکرد، زمینه تئوریک غنی برای تحلیل سیاست‌های عدالت اجتماعی در هر زمینه‌ای از جمله گفتمان انقلاب اسلامی فراهم کرده است.

مفهوم گفتمان، به عنوان شبکه‌ای از معانی و قواعد تولید دیسکورس، امکان بررسی چگونگی شکل‌گیری، بازتولید و تحولات مفهومی عدالت را فراهم می‌آورد. میشل فوکو گفتمان را مجموعه‌ای از گزاره‌ها می‌داند که امکان ظهور دانش و سخن را در یک دوره تاریخی مشخص تعیین می‌کنند (Foucault, ۱۹۷۲). نورمن فرکلاف با تمرکز بر دیسکورس انتقادی، نشان داد که گفتمان نه تنها بازتاب روابط قدرت است بلکه ابزاری برای تغییر ساختارهای اجتماعی می‌باشد . (Fairclough, ۱۹۹۲)ارنستو لاکلاف و شانتال موفه مفهوم مفصل‌بندی و دال‌های شناور را معرفی کردند تا توضیح دهند چگونه هژمونی گفتمانی از طریق اتصال معناها به دال مرکزی شکل می‌گیرد و امکان بسط آن در زمینه‌های متنوع سیاسی و اجتماعی را فراهم می‌آورد.

(Laclau & Mouffe, ۲۰۰۱) .این نظریه‌ها چارچوب تحلیل گفتمانی را برای بررسی سیاست‌های عدالت در ایران پس از انقلاب مشخص می‌سازد .روش تحلیل مضمون[۱] به‌عنوان روشی نظام‌مند برای استخراج الگوهای معنادار از متون کیفی شناخته شده است. براون و کلارک مراحل شش‌گانه کدگذاری اولیه، تشخیص تم‌ها، بازبینی و تعریف تم‌ها تا تولید گزارش نهایی را تشریح کرده‌اند (Braun & Clarke, ۲۰۰۶) .در کنار آن، تحلیل گفتمان انتقادی به‌منظور کاوش سازوکارهای قدرت و ایدئولوژی در اسناد رسمی و سخنرانی‌ها به کار می‌آید. ترکیب این دو رویکرد پژوهشی امکان می‌دهد هم ساختارهای قدرت در سیاست‌گذاری عدالت و هم الگوهای معنایی مشترک و متمایز میان دولت‌های مختلف شناسایی شوند. در ادبیات ایران نمونه‌هایی از این ترکیب مانند مطالعات براتعلی‌پور (۱۳۹۴) و خواجه‌سروی (۱۳۸۶) به چشم می‌خورد.

در مطالعات ایرانی، گفتمان عدالت اجتماعی در انقلاب اسلامی با الهام از آموزه‌های شیعی بازتعریف شده است. خرم‌شاد (۱۳۸۱) در میزگردی میان اندیشه‌ورزان نشان داد که گرچه مصادیق عدالت در دوره‌های مختلف متنوع است، اما هسته‌های مفهومی عدالت شیعی در تمامی دولت‌ها تداوم یافته است. عدالت جنگی در دولت رجایی، عدالت توسعه‌محور در دولت هاشمی و عدالت مشارکتی در دولت اصلاحات نمونه‌هایی از تغییر در مصادیق هستند؛ اما همه اینها در چارچوب هژمونی گفتمانی انقلاب اسلامی بازتولید شده‌اند (خرم‌شاد، ۱۳۸۱). خواجه‌سروی نیز با تحلیل فراز و فرود گفتمان عدالت در دوره‌های متوالی پس از انقلاب، نشان داد که ساختار معنایی عدالت در ایران ترکیبی از ارزش‌های توحیدی و شیعی است که با مقتضیات هر دوره سیاسی سازگار گردیده است (خواجه‌سروی، ۱۳۸۶).

براتعلی‌پور (۱۳۹۴) با رویکرد تاریخی-هرمنوتیک الگوی سیاست عدالت اجتماعی در جمهوری اسلامی را بررسی کرد و نتیجه گرفت که این الگو نه صرفاً لیبرالیستی و نه صرفاً سوسیالیستی، بلکه مبتنی بر فلسفه سیاسی اسلامی است که هم‌نوایی جمعی و شکوفایی فردی را به‌طور همزمان دنبال می‌کند. وی دو روایت هستی‌شناختی و هنجاری عدالت را شناسایی کرد که سیاست‌های رفاهی، توزیعی و آزادی‌های فردی را در دولت‌های مختلف معنا می‌بخشد. این مطالعه نشان می‌دهد که گفتمان عدالت در قانون اساسی و سخنان امام خمینی (ره) حکمرانی می‌شود و تا کنون محور سیاست‌های کلان اجتماعی ایران قرار داشته است (براتعلی‌پور، ۱۳۹۴).

رویکردهای عدالت توزیعی در سیاست‌های توسعه اقتصادی اغلب در برنامه‌های پنج‌ساله دولت‌های پس از انقلاب دیده می‌شود. کتابی (۱۴۰۰) در مطالعه تطبیقی میان شاخص‌های اقتصادی نظیر ضریب جینی، نرخ بیکاری و فقرزدایی، نشان داد که هیچ الگوی توسعه‌ای خالصی نمی‌تواند عدالت را به‌طور کامل تأمین کند و ترکیب سیاست‌های بازار آزاد و مداخله‌گرایانه به ارتقاء نسبی عدالت اجتماعی منجر شده است. بر اساس این یافته‌ها، در هر دوره، دولت‌ها با ترکیب گزینشی رویکردهای لیبرالی و سوسیالیستی، سیاست‌های توزیعی خود را برنامه‌ریزی کرده‌اند (کتابی، ۱۴۰۰). کردزنگنه و همکاران (۱۳۹۹) اما در

[۱] Thematic Analysis

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

فصلنامه پژوهش های نوین در علوم انسانی و حقوق دوره ۱- شماره ۳ – صفحات۷۶-۶۰
Journal of new Researches in Humanities and Law
ISSN 3060-6101

مطالعات خود بر توسعه روستایی تأکید کردند و نشان دادند که دال مرکزی ، عمران و نوسازی روستا، در اسناد رسمی حکمرانی می‌کند و دال‌های شناور کشاورزی، اشتغال پایدار و صنعت بسته به سیاست دولت معنا می‌یابند. این پژوهش بیان می‌کند که رویکرد بالابه‌پایین و اتکا به درآمد نفتی، تحقق عدالت توزیعی در روستاها را محدود ساخته است (کردزنگنه و همکاران ۱۳۹۹).

تحلیل گفتمان عدالت در بخش مسکن نیز نشان می‌دهد دولت‌های مختلف با توجه به گفتمان مسلط، دال مرکزی عدالت مسکن را بازتعریف کرده‌اند. صفری شالی (۱۴۰۲) نتیجه گرفت که برنامه‌های چهارگانه مسکن مهر، انبوه‌سازی، مقاوم‌سازی و مسکن حمایتی در دولت‌های سازندگی، اصلاحات، اصول‌گرا و اعتدال هر یک تصویر متفاوتی از عدالت توزیعی ارائه کرده‌اند. وی تأکید کرد که دال شناور ،عدالت در برخورداری از مسکن، در هر دوره با اولویت‌ها و ملاحظات ایدئولوژیک دولت همخونی یافته است (صفری شالی، ۱۴۰۲). این نتایج نشان می‌دهد بدون در نظر گرفتن ابعاد سیاسی و اجتماعی، سیاست‌های توزیعی در قالب مسکن توانایی رفع نابرابری‌های عمیق را ندارند.

مبحث رفاه اجتماعی و تأمین اجتماعی نیز از حوزه‌های مهم تحلیل گفتمانی عدالت بوده است. اسدی‌زاهد و همکاران (۱۴۰۰) با بهره‌گیری از روش تحلیل گفتمان لاک‌لاو و موفه، چهار گفتمان مستضعف‌محوری، جبران کاستی‌های توسعه اقتصادی، نظام جامع رفاه و دسترسی یکسان به حمایت‌ها را در دولت‌های مستضعفین، سازندگی، اصلاحات و عدالت‌محور شناسایی کردند. یافته‌های آنان حاکی از آن است که دال مرکزی هر گفتمان مبتنی بر اصول ایدئولوژیک دولت مربوطه بوده و براین اساس، روند اجرای سیاست‌های رفاهی و تأمین اجتماعی دارای نوسانات چشمگیری بوده است (اسدی‌زاهد و همکاران ۱۴۰۰).

عدالت در بخش سلامت نیز نقد و بررسی شده است. صفری شالی (۱۳۹۵) نشان داد که دولت‌های پس از انقلاب با ارائه بیمه همگانی و طرح تحول نظام سلامت تلاش کرده‌اند، دسترسی برابر به خدمات درمانی، را به عنوان دال مرکزی عدالت مطرح کنند، اما بررسی هزینه‌های خانوارها حکایت از آن دارد که بسیاری از هزینه‌ها بر دوش مردم مانده است. این شکاف میان آرمان عدالت و واقعیت عملی سیاست‌ها نشان‌دهنده نیاز به بازنگری گفتمانی در حوزه سلامت است (صفری شالی، ۱۳۹۵).

عدالت مشارکتی به معنای حضور فعال شهروندان در فرآیند تصمیم‌سازی از دیگر موضوعات مورد توجه است. سیدی (۱۴۰۰) با تمرکز بر مشارکت سیاسی-اجتماعی زنان در گفتمان انقلاب نشان داد که افزایش مطالبه‌گری حقوق شهروندی و بازشناسی هویت فردی، باعث شد دال مرکزی عدالت اجتماعی به عدالت مشارکتی تعمیم یابد و زنان به‌عنوان کنشگران اصلی در این فرایند نقش‌آفرینی کنند (سیدی، ۱۴۰۰). علاوه بر این، زایرکعبه و همکاران (۱۳۹۶) با روش تکوینی-تاریخی، نشان دادند که زمینه‌های جامعه‌شناختی نظیر نابرابری اقتصادی و تحولات جمعیتی در کنار فشارهای بین‌المللی، بستر شکل‌گیری گفتمان مشارکتی را آماده ساختند و نهادهای مدنی در این مسیر نقش مهمی ایفا کردند (زایرکعبه و همکاران ۱۳۹۶).

عدالت جنسیتی نیز در سیاست‌های توسعه اقتصادی و فرهنگی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. صفری شالی (۱۳۹۴) با استناد به تحلیل گفتمان لاک‌لاو و موفه، چهار شاخص، توانمندسازی زنان، اشتغال، حجاب و عفاف و امنیت زنان را به عنوان دال‌های شناور در قالب دال مرکزی "عدالت جنسیتی" شناسایی کرد و نشان داد که برداشت هر دولت از این شاخص‌ها تحت تأثیر گفتمان کلان انقلاب اسلامی و اولویت‌های ایدئولوژیک آن دوره متغیر است (صفری شالی، ۱۳۹۴).

در حوزه سیاست خارجی نیز عدالت اجتماعی به شکلی انتقادی بازنمایی شده است. پیشگاهی‌فرد و زارعی (۱۳۸۹) بر این باورند که جمهوری اسلامی با تکیه بر آموزه ،لیقوم الناس بالقسط، سیاست خارجی خود را علیه هژمونی قدرت‌های بزرگ سازماندهی کرده و حمایت از مستضعفان جهانی را به عنوان دال مرکزی عدالت اجتماعی در عرصه بین‌الملل مطرح ساخته است (پیشگاهی‌فرد و زارعی، ۱۳۸۹). دهقانی فیروزآبادی (۱۳۸۶) در بررسی اصول‌گرایی عدالت‌محور در سیاست خارجی دولت احمدی‌نژاد نیز نشان داد که دال‌های ،اسلامیت و ایرانیت همراه با یاری مستضعفان، ساختار مفهومی سیاست خارجی را شکل داده‌اند (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۶).

با وجود تنوع گسترده در ادبیات نظری و موارد کاربردی در ایران، چند نکته محوری نیاز به پژوهش‌های آتی را نشان می‌دهد. نخست آنکه اغلب مطالعات موجود به تحلیل ابعاد منفرد عدالت اجتماعی پرداخته‌اند و نیاز به یک مطالعه یکپارچه با استفاده از روش تحلیل مضمون برای استخراج تم‌های مشترک و متمایز میان دولت‌ها احساس می‌شود. دوم آنکه بیشتر تحقیقات بر متون رسمی متمرکز بوده و تأثیر عملکرد عملی سیاست‌ها بر شاخص‌های عینی عدالت (مانند فقر، بیکاری و دسترسی به خدمات) کمتر مورد بررسی قرار گرفته است. سوم آنکه نقش نهادهای مدنی، رسانه‌های اجتماعی و شبکه‌های مردمی در بازتولید و تحول گفتمان عدالت اجتماعی در ایران پس از انقلاب هنوز مغفول مانده است. سرانجام، تغییرات در دال‌های مرکزی و دال‌های شناور عدالت اجتماعی در پاسخ به تحولات بین‌المللی و بحران‌های اقتصادی نیازمند تحلیل تطبیقی ویژه است. مطالعه حاضر با بهره‌گیری از چارچوب نظری تحلیل گفتمان انتقادی و روش‌شناسی تحلیل مضمون در پی آن است تا با رویکردی جامع و ترکیبی، نقشه‌ای مفهومی و تطبیقی از گفتمان سیاست‌های عدالت اجتماعی در دولت‌های پس از انقلاب اسلامی ارائه نموده و خلأهای پژوهشی موجود را پر نماید.

روش‌شناسی

این مطالعه مروری با رویکرد کیفی و مبتنی بر تحلیل مضمون[۲] طراحی شد تا لایه‌های گفتمانی سیاست‌های عدالت اجتماعی در دولت‌های پس از انقلاب

[۲] Thematic Analysis

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

فصلنامه پژوهش های نوین در علوم انسانی و حقوق دوره ۱- شماره ۳ – صفحات۷۶-۶۰
Journal of new Researches in Humanities and Law
ISSN 3060-6101

اسلامی بازشناسی و تبیین شود. چارچوب کلی پژوهش بر پایه مدل شش‌مرحله‌ای براون و کلارک (۲۰۰۶) استوار گردید که امکان کدگذاری سیستماتیک و استخراج تم‌های معناشناختی را فراهم می‌آورد.

برای گردآوری داده‌ها، ابتدا با تعریف واژگان کلیدی "عدالت اجتماعی"، "سیاست‌های رفاهی"، "توسعه اقتصادی-اجتماعی" و "گفتمان انقلاب اسلامی" جست‌وجو در پایگاه SID و آرشیو اسناد رسمی دولت ایران (سال‌های ۱۴۰۲–۱۳۵۸) انجام شد. از میان بیش از ۷۰ سند شناسایی‌شده، ۲۳ سند شامل سخنرانی رؤسای جمهور، لوایح قانونی و شش برنامه پنج‌ساله توسعه که مستقیماً به ابعاد توزیعی، مشارکتی یا هنجاری عدالت اجتماعی اشاره داشتند، براساس معیارهای ورود و خروج نهایی شدند. متون صرفاً تاریخی، فلسفی یا فاقد بار سیاست‌گذاری حذف گردیدند.

متن کامل اسناد انتخابی پس از پاک‌سازی و یکپارچه‌سازی[۳] در نرم‌افزار مدیریت مراجع EndNote وارد و شماره‌گذاری شد تا ردیابی ارجاعات و فرایند کدگذاری امکان‌پذیر باشد. دو پژوهشگر به‌طور مستقل مرحله کدگذاری باز[۴] را انجام دادند و گزاره‌های مرتبط با عدالت اجتماعی را شناسایی کردند. سپس با استفاده از جلسات مشترک نقد و بازبینی، کدها به‌صورت تفاُند[۵] دسته‌بندی و در قالب تم‌های بالقوه سامان‌دهی شدند. در مرحله بعد، بازبینی تم‌ها بر مبنای انسجام درون‌تم[۶] و افتراق میان تمی[۷] انجام شد تا تضمین گردد تم‌های نهایی دقیقاً نمایانگر مفاهیم گفتمانی مورد نظر باشند (Braun & Clarke, ۲۰۰۶).

برای ارتقای روایی و پایایی، از سه اقدام کلیدی بهره گرفته شد: نخست، تثبیت مستقل فرایند تحلیل[۸] که شامل ثبت دقیق تصمیم‌های تحلیلی در دفترچه یادداشت پژوهشی بود، دوم، بازبینی همتا[۹] در فواصل معین با حضور دو متخصص روش‌شناسی و سوم، آزمون توافق بین‌پژوهشگران[۱۰] با مبادله تصادفی بخش‌هایی از داده‌ها و محاسبه ضریب تطابق. علاوه بر این، نگاه انعکاسی[۱۱] پژوهشگران در قالب یادداشت‌های میدانی ثبت شد تا پیش‌فرض‌های فردی بر تحلیل تأثیر نامطلوب نگذارد.(Nowell et al., ۲۰۱۷).

در نهایت، یافته‌ها با ساختاری سه‌وجهی(عدالت توزیعی، مشارکتی و هنجاری) سازمان‌دهی و در قالب گزارش نهایی ارائه شد. این ساختار امکان تبیین همپوشانی و گسست‌های گفتمانی سیاست‌های عدالت اجتماعی در دوره‌های مختلف حاکمیت پس از انقلاب را به‌خوبی فراهم ساخته و چشم‌اندازی منسجم از تحولات و تداوم‌های گفتمانی ارائه می‌کند.

یافته ها

یافته‌های این مطالعه مروری با روش تحلیل مضمون نشان می‌دهد که سیاست‌های عدالت اجتماعی در دولت‌های پس از انقلاب اسلامی ایران از سه جهت اصلی عدالت توزیعی، عدالت مشارکتی و عدالت هنجاری متبلور شده و هر یک از این سه بعد با عناصر و مصادیق ویژه‌ای در گفتمان کلان انقلاب اسلامی مفصل‌بندی گردیده است. در مواجهه با داده‌های استخراج‌شده از برنامه‌های پنج‌ساله توسعه، سخنرانی‌های رؤسای جمهور و متون سیاستگذاری، سه مضمون محوری پدیدار شد که به‌رغم تفاوت‌های کاربردی در دوره‌های مختلف اجرایی، یک ساختار معنایی واحد را در چارچوب گفتمان انقلاب اسلامی تشکیل می‌دهند.

در مضمون نخست، عدالت توزیعی به‌عنوان شاخصه‌ای بنیادین در گفتمان سیاست‌های اجتماعی دولت‌ها تعریف شده است. این عدالت متوجه توزیع منابع و فرصت‌ها در سطوح ملی و منطقه‌ای است و تمایل دارد فاصله‌های طبقاتی و نابرابری‌های مکانی را کاهش دهد. در دولت سازندگی، برنامه‌های انبوه‌سازی مسکن و مقاوم‌سازی واحدهای مسکونی نمونه‌ای آشکار از تأکید بر عدالت توزیعی بودند که با هدف دسترسی اقشار کم‌درآمد به مسکن ارزان قیمت طراحی شدند (کردزنگنه، وحیدا و مهاجرانی، ۱۳۹۹). در این دوره، انبوه‌سازی مسکن، طرح مقاوم‌سازی و بهینه‌سازی مسکن و مسکن مهر به‌عنوان دال‌های شناور در گفتمان عدالت اجتماعی مطرح شدند و نشان دادند که دولت سازندگی گفتمان عدالت را در قالب فراهم‌سازی حداقل امکانات زیستی دنبال می‌کرد. سپس دولت اصلاحات با تأکید بر اصل ۲۹ قانون اساسی، ساختار رفاهی را به‌گونه‌ای بازطراحی کرد که دسترسی همگانی به خدمات تأمین اجتماعی و بیمه‌های همگانی تسهیل گردد (صفری شالی، ۱۳۹۵). در این دوره، عدالت توزیعی با نشانه‌هایی چون بیمه همگانی و دسترسی برابر به خدمات سلامت، تبیین شد و سیاست‌های منابع مالی به سمت پوشش دهک‌های پایین متوسط سوق یافت. نهایتاً در دولت عدالت‌محور، عدالت توزیعی تحت عنوان "عدالت توزیعی مضاعف" بازتعریف گردید، به‌طوری که علاوه بر توزیع منابع، اولویت خدمت‌رسانی به مناطق محروم و بازتوزیع درآمدهای نفتی مدنظر قرار گرفت (براتعلی‌پور، ۱۳۹۴). این بازتعریف سبب گسست نسبی در تداوم سیاست‌های رفاهی پیشین شد، اما همزمان عمق بخشی عدالت توزیعی در گروه‌های هدف را افزایش داد.

---

[۳] Normalization
[۴] Open Coding
[۵] Axial Coding
[۶] Internal Homogeneity
[۷] External Heterogeneity
[۸] Audit Trail
[۹] Peer Review
[۱۰] Intercoder Reliability
[۱۱] Reflexivity

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

فصلنامه پژوهش های نوین در علوم انسانی و حقوق دوره ۱- شماره ۳ – صفحات۷۶-۶۰
Journal of new Researches in Humanities and Law
ISSN 3060-6101

مضمون دوم، عدالت مشارکتی است که به حضور فعال جامعه در فرایند تصمیم‌گیری و اجرای سیاست‌ها اشاره دارد. این بُعد از گفتمان عدالت اجتماعی به مشارکت گروه‌های ذی‌نفع در طراحی و ارزیابی سیاست‌ها تأکید می‌کند. در دولت سازندگی، نهادسازی مردمی و ایجاد شوراهای مشارکتی محلی ظهور یافت، اما میزان نفوذ واقعی این نهادها در سیاستگذاری محدود بود (خرمشاد، ۱۳۸۱). با این حال، این تجربه نشان داد که گفتمان انقلاب اسلامی ظرفیت گسترش حمایت از شکل‌گیری نهادهای مردمی را داراست. سپس در دولت اصلاحات، گسترش حقوق شهروندی و تأسیس انجمن‌ها و تشکل‌های غیردولتی زنان و جوانان، بُعد عدالت مشارکتی را پررنگ ساخت (سیدی، ۱۴۰۰). موضوعاتی مانند بازخوانی نقش دانشگاه‌های آزاد در ترویج گفتمان، آزاداندیشی و کرسی‌های آزاداندیشی، نیز هم‌زمان با تلاش برای ارتقاء مشارکت علمی و فرهنگی، نمود عدالت مشارکتی در حوزه علمی-فرهنگی بود (پیشگاهی‌فرد و زارعی، ۱۳۸۹). در دولت عدالت‌محور، رویکرد به مشارکت جمعی به مشارکت اجتماعی اقشار محروم معطوف شد و طرح‌های مشورتی مبتنی بر اعطای مسئولیت بیشتر به گروه‌های حاشیه‌ای در عرصه‌های اقتصادی و اجتماعی اجرایی گردید (خواجه‌سروی، ۱۳۸۶). این تجربه‌ها نشان می‌دهد که هر دولتی بسته به گفتمان مسلط خود، عناصر مشارکتی را به‌گونه‌ای مفصل‌بندی کرده که گویای اولویت‌های دوره‌ای در ترویج عدالت اجتماعی باشد.

مضمون سوم، عدالت هنجاری است که به مجموعه ارزش‌ها، هنجارها و اصولی اشاره دارد که سیاست‌های عدالت اجتماعی بر پایه آن‌ها شکل می‌گیرند. این بعد بیشتر در سطح نظری و ایدئولوژیک قابل مشاهده است و مطابق دستورالعمل‌های قانون اساسی و بیانات رهبران نظام معنا می‌یابد. در سیاست خارجی جمهوری اسلامی، عدالت هنجاری در قالب، انتقاد از نظم بین‌الملل ناعادلانه و دفاع از مردم مستضعف جهان تبلور یافته است (پیشگاهی‌فرد و زارعی، ۱۳۸۹). در این گفتمان، حق حاکمیت ملی و مقابله با سلطه‌گری به‌عنوان دو شاخص کلیدی عدالت هنجاری تعریف شده‌اند. همچنین در دولت احمدی‌نژاد، اصول‌گرایی عدالت‌محور در سیاست خارجی بیانگر تمایل دولت به بازتعریف هنجارهای عدالت بر اساس اسلامیت و ایرانیت بود (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۸). این جهت از گفتمان عدالت اجتماعی نشان می‌دهد که سیاست‌های داخلی و خارجی در یک منظومه معنایی واحد قرار دارند و عدالت هنجاری به‌عنوان پشتوانه نظری تمامی سیاست‌های توزیعی و مشارکتی عمل می‌کند.

فراتر از این سه مضمون محوری، در تحلیل داده‌ها چند نکته فرعی نیز برجسته گردید. نخست، عدالت جنسیتی به‌عنوان مصداقی خاص از عدالت اجتماعی در اسناد توسعه پنج‌ساله و لوایح برنامه‌ها مورد توجه بوده است. صفری شالی نشان داد که در دولت‌های سازندگی، اصلاحات و عدالت‌محور، عدالت جنسیتی در قالب دال‌های، توانمندسازی زنان، اشتغال زنان، حجاب و عفاف و امنیت زنان مفصل‌بندی شده است و هر دولت با اولویت‌بندی متفاوتی به این دال‌ها توجه کرده است (صفری شالی، ۱۳۹۴). دوم، عدالت در حوزه سلامت به‌ویژه در برنامه‌های توسعه مورد بررسی قرار گرفت و مشخص گردید که علی‌رغم وجود نشانه‌های گفتمانی برای عدالت درمانی، از فشار هزینه‌ها بر خانوارها کاسته نشده است و نظام بیمه‌های درمانی با چالش‌های عدالتی مواجه بوده است (صفری شالی، ۱۳۹۵). سوم، عدالت در توسعه روستایی نیز با تأکید بر عمران و نوسازی روستا و اشتغال پایدار مورد مطالعه قرار گرفت و نشان داده شد که اولویت‌بندی منابع در این حوزه همواره از بالا به پایین بوده و عملاً بسیاری از سیاست‌ها به منافع کوتاه‌مدت اقتصادی توجه داشته‌اند تا عدالت بلندمدت ساختاری (کردزنگنه، وحیدا و مهاجرانی، ۱۳۹۹).

در کنار این مصادیق فرعی، روند کلی تحول گفتمان عدالت اجتماعی در طول چهار دهه پس از انقلاب، حکایت از تلفیقی از ثبات و تغییر دارد. بنیان‌های نظری و هنجاری گفتمان انقلاب اسلامی همچنان بر آموزه‌های شیعی و قانون اساسی متکی‌اند و تغییرات عمدتاً در سطح اولویت‌های اجرایی و مصادیق عینی عدالت رخ داده است (خواجه‌سروی، ۱۳۸۶). به عبارت دیگر، سه محور، عدالت توزیعی، عدالت مشارکتی و عدالت هنجاری به‌عنوان ساختار اصلی گفتمان عدالت اجتماعی ثابت باقی مانده‌اند، اما محورها و نشانه‌های شناور متناسب با الزامات دوره‌ای دولت‌ها دچار بازتعریف و تنظیم مجدد شده‌اند.

نهایتاً، یافته‌های تحلیل مضمون نشان می‌دهد که گفتمان عدالت اجتماعی در جمهوری اسلامی دارای ظرفیت تلفیق نظریه و عمل است؛ به‌گونه‌ای که بعدها پژوهشگران توانسته‌اند با ترکیب ابعاد توزیعی و مشارکتی، مدل‌های مفهومی نوینی از عدالت ارائه دهند که ضمن حفظ هنجارهای بنیادین، پاسخ‌گوی نیازهای عینی جامعه نیز باشند (کتابی، ۱۴۰۰). این ظرفیت می‌تواند زمینه‌ساز تدوین سیاست‌های جامع‌نگر باشد که همزمان به توزیع عادلانه منابع، مشارکت فعال مردم و مقبولیت هنجاری دست یابند. چنین نتیجه‌ای اهمیت بازشناسی تم‌های گفتمانی عدالت را برای برنامه‌ریزان و سیاستگذاران سیاسی-اجتماعی نشان می‌دهد؛ چرا که بدون درک سلسله‌مراتب مفهومی و نشانه‌ای گفتمان، احتمال اختلال در تولید سیاست‌های هم‌افزا کاهش می‌یابد و مشکلاتی مانند گسست بین برنامه‌های رفاهی و نتایج عینی عدالت اجتماعی ادامه خواهد یافت.

در مجموع، نتایج به‌دست‌آمده تأیید می‌کند که تحلیل مضمون در کنار روش‌های گفتمان‌شناختی می‌تواند چارچوب منسجمی برای تبیین تحولات سیاست‌های عدالت اجتماعی فراهم آورد و با شفاف‌سازی مضمون‌های مرکزی و نشانه‌های شناور، مسیر بازطراحی رویکردهای سیاستگذاری عادلانه‌تر را هموار نماید.

بحث

بحث پژوهش حاضر با تأکید بر تحلیل مضمون گفتمانی سیاست‌های عدالت اجتماعی در دولت‌های پس از انقلاب اسلامی نشان می‌دهد که گفتمان عدالت در ایران، همگرایی و واگرایی پیچیده‌ای از ابعاد توزیعی، مشارکتی و هنجاری را دربر می‌گیرد. نخست آنکه عدالت توزیعی همواره یکی از وجوه برجسته‌ی سیاست‌گذاری‌ها بوده است؛ برنامه‌های توسعه اقتصادی و اجتماعی بارها بر کاهش شکاف طبقاتی و توزیع منابع متمرکز شدند (براتعلی‌پور، ۱۳۹۴، کردزنگنه و همکاران ۱۳۹۹). با این‌حال، چالش‌های ساختاری مانند وابستگی به درآمد نفتی و مدیریت متمرکز منابع به‌نحوی است که توانمندی اجرای کامل عدالت توزیعی را محدود کرده است. در دولت‌های سازندگی و اصلاحات، تمهیدات کالبدی مانند مسکن مهر یا طرح‌های عمران روستایی به‌عنوان نمادهای عدالت توزیعی برجسته شدند، ولی انتقال واقعی ارزش‌ها و امکانات به اقشار محروم همواره با موانع نهادی مواجه بود (کردزنگنه، وحیدا و مهاجرانی، ۱۳۹۹، خواجه‌سروی، ۱۳۸۶).

در سیر تطور گفتمانی، عدالت مشارکتی به‌تدریج جایگاهی ویژه یافت، گفتمان انقلاب اسلامی بر اصل "مردم‌سالاری دینی" تأکید داشته و نهادسازی‌های مردمی در دوره‌های مختلف، از شوراهای حل اختلاف تا کرسی‌های آزاداندیشی، تداوم یافته‌اند (سیدی، ۱۴۰۰). مشارکت زنان در سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی شهری و روستایی نیز به‌عنوان مصداق بارز عدالت مشارکتی مطرح شد و مطالعات نشان می‌دهد که دولت‌های اصلاحات و عدالت‌محور تلاش کردند با اعطای فرصت‌های برابر آموزشی و شغلی، از نقش زنان در فرآیندهای تصمیم‌گیری بهره گیرند (سیدی، صفری شالی، ۱۳۹۴). با این وجود، دامنه‌ی

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

فصلنامه پژوهش های نوین در علوم انسانی و حقوق دوره ۱- شماره ۳ – صفحات۷۶-۶۰
Journal of new Researches in Humanities and Law
ISSN 3060-6101

این مشارکت وابسته به مقتضیات ایدئولوژیک و ساختارهای سیاسی هر دوره بود و هرگونه گشایش در عرصه مشارکت، نیازمند وفاق گفتمانی درباره‌ی جایگاه حقوق مدنی و سیاسی زنان تلقی می‌شد.

جنبه‌ی هنجاری عدالت، یعنی بازتعریف مفاهیم بنیادین عدالت در چارچوب ارزش‌های اسلامی-شیعی، نیز در سیاست‌های داخلی و خارجی عینیت یافته است. در گفتمان داخلی، مباحثی چون عدالت جنگی در دوران دفاع مقدس و عدالت توسعه‌ای در دولت هاشمی رفسنجانی، با ارجاع به آموزه‌های امام(ره) و سیاست‌های قانون اساسی بازتولید شدند (خواجه‌سروی، ۱۳۸۶). در عرصه خارجی، جمهوری اسلامی با استناد به اصل " لیقوم الناس بالقسط "، سیاست‌های انتقادی خود نسبت به نظم بین‌الملل را توجیه کرد و این نوع عدالت هنجاری را به حمایت از مستضعفان جهانی و نقد سازمان‌های بین‌المللی معطوف ساخت (پیشگاهی‌فرد و زارعی، ۱۳۸۹). این رویکرد هنجاری نشان داد که عدالت اجتماعی در گفتمان انقلاب اسلامی، صرفاً محدود به توزیع مادی نیست، بلکه مفهومی فراگیر است که پیوند میان ارزش‌های اخلاقی، فرهنگی و سیاسی را دربر می‌گیرد.

علاوه بر سه وجه کلیدی فوق، عدالت ساختاری به‌عنوان بخشی از گفتمان عدالت جهانی و مقابله با خشونت نهادی مورد توجه قرار گرفت. آدمی و ابویسانی (۱۳۹۵) با تأکید بر بعد ساختاری، نشان دادند که گفتمان انقلاب اسلامی خواستار بازسازی نظام‌های بین‌المللی به‌سوی صلح و مساوات است. این گفتمان ساختاری عدالت، فراتر از سیاست‌های داخلی، قواعد جهانی حاکم بر قدرت و توزیع منابع را هدف قرار داد و بر لزوم تنظیم نهادی فراملی برای تأمین حقوق بشر و حمایت از کشورهای محروم تأکید کرد (آدمی و ابویسانی، ۱۳۹۵).

از منظر تطور تاریخی، می‌توان روند تحولی گفتمان عدالت را در سه دوره متمایز بررسی کرد. دوره‌ی اول (۱۳۶۸-۱۳۵۸) با اولویت دادن به عدالت بسیجی و جنگی، تضمین معیشت رزمندگان و خانواده‌ی شهدا را در اولویت قرار داد. دوره‌ی دوم (۱۳۷۶-۱۳۶۸) با محور توسعه اقتصادی و اجتماعی، به عدالت توزیعی گسترده‌تر و عمران روستایی روی آورد (کردزنگنه و همکاران۱۳۹۹). دوره‌ی سوم (۱۳۸۸-۱۳۷۶) با گفتمان اصلاحات و توسعه سیاسی، عدالت مشارکتی و حقوق شهروندی برجسته شد (سیدی، ۱۴۰۰، صفری شالی، ۱۳۹۴). در نهایت، دوره‌ی چهارم و پنجم (۱۴۰۲-۱۳۸۸) با تأکید بر عدالت‌محوری و بازتعریف هنجاری، شکلی اصول‌گرایانه به خود گرفت که بر استقلال سیاسی و اخلاقی کشور و حمایت از مستضعفان داخلی و خارجی تأکید می‌کرد (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۸ - ۱۳۸۶)

تحلیل مضمون داده‌ها مؤید این است که سیر تغییرات گفتمانی عدالت اجتماعی در ایران، نه صرفاً پاسخی به نیازهای اقتصادی و اجتماعی، بلکه بازتابی از چالش‌های هویتی و ایدئولوژیک نیز بوده است. هر دولت در مواجهه با مسائل معیشتی، بهداشت، مسکن و اشتغال، تلاش کرده تا سرشتی از عدالت را بنمایاند که با گفتمان کلان انقلاب هم‌خوانی داشته باشد؛ اما شکنندگی ساختاری نهادها و وابستگی به منابع دولتی، امکان تحقق کامل عدالت را محدود می‌کرد (صفری شالی، ۱۳۹۵، براتعلی‌پور، ۱۳۹۴).

در حوزه مسکن و تأمین مسکن اجتماعی، دولت‌های سازندگی و عدالت‌محور با پروژه‌هایی چون مسکن مهر و مسکن اجتماعی-حمایتی، سعی کردند عدالت توزیعی را در این قلمرو به پیش ببرند، اما نقدهایی مبنی بر تمرکز بیش از حد بر کالبد و کم‌توجهی به کیفیت زیست اجتماعی مطرح شد (کردزنگنه و همکاران ۱۳۹۵). این امر نشان می‌دهد که عدالت توزیعی نیازمند رویکردی جامع است که مصالح فرهنگی و اجتماعی را نیز دربر گیرد.

نکته‌ی دیگر آنکه عدالت جنسیتی به‌عنوان زیرمجموعه‌ی عدالت اجتماعی، آزمونی مهم برای گفتمان انقلاب بود. مطالعات نشان می‌دهند که هرچند در قانون اساسی اصل مساوات جنسیتی پذیرفته شده است، اما در برنامه‌های توسعه، تأکید بر هنجارهای فرهنگی مانند حجاب و امنیت زنان گاه با محدودیت‌های مشارکتی همراه شد (صفری شالی، ۱۳۹۴). این تناقض، بازتاب کشمکش میان ارزش‌های اسلامی سنت‌محور و مطالبات مدرن جنسیتی است که در متن گفتمانی انقلاب اسلامی نمود می‌یابد.

در بخش بهداشت و رفاه اجتماعی نیز، گفتمان عدالت نشان داد که نگاه غالب بر تأمین خدمات درمانی و بیمه همگانی است، اما مطالعات نشان می‌دهد که سهم خانوارها از هزینه‌های سلامت بالا باقی ماند و عدالت توزیعی در این حوزه با ناکامی‌هایی همراه بود (صفری شالی، ۱۳۹۵). این وضعیت، ضرورت تقویت نهادهای بیمه‌ای و بازتعریف نقش دولت در سیاست‌های رفاهی را مطرح می‌سازد.

در نهایت، نتایج این بررسی مروری، ضرورت تلفیق سه وجه توزیعی، مشارکتی و هنجاری را روشن می‌سازد. گفتمان عدالت اجتماعی در ایران، قابلیت تولید راهبردهای سیاستی یکپارچه را دارد؛ به شرط آنکه نهادهای اجرایی و قانون‌گذاری در طراحی برنامه‌های توسعه، بر هم‌افزایی ابعاد مختلف عدالت تأکید کنند و از رویکردهای جزیره‌ای پرهیز نمایند (زایرکعبه و همکاران ۱۳۹۶). این تلفیق می‌تواند هم عدالت اقتصادی را تأمین نماید، هم مشارکت اجتماعی را گسترش دهد و هم اعتبار هنجاری سیاست‌ها را ارتقا بخشد.

به‌طور کلی، گفتمان عدالت اجتماعی در دولت‌های پس از انقلاب اسلامی ایران، فرآیندی چندوجهی و پویانمایی است که از هم‌افزایی آموزه‌های اسلامی و مطالبات مدرن شکل گرفته و در هر دوره، با توجه به مقتضیات داخلی و بین‌المللی، تأکیدات متفاوتی یافته است. این گفتمان، اگرچه با محدودیت‌های نهادی و ساختاری روبروست، اما ظرفیت بالایی برای بازتعریف سیاست‌های اجتماعی در جهت تأمین عدالت همه‌جانبه دارد؛ مشروط بر آنکه تحلیل‌های گفتمانی مستمری درباره‌ی ابعاد مختلف عدالت صورت گیرد و مبانی نظری سیاست‌ها بر مبنای مضمون‌های کلان استخراج‌شده نگاشته شود.

نتیجه‌گیری

در پرتو تحلیل مضمون داده‌های استخراج‌شده از متون سیاست‌گذاری دولت‌های پس از انقلاب اسلامی، می‌توان نقشه‌ای سه‌وجهی از گفتمان عدالت

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

فصلنامه پژوهش های نوین در علوم انسانی و حقوق دوره ۱- شماره ۳ – صفحات۷۶-۶۰
Journal of new Researches in Humanities and Law
ISSN 3060-6101

اجتماعی در جمهوری اسلامی ترسیم کرد که هر یک از ابعاد عدالت توزیعی، عدالت مشارکتی و عدالت هنجاری نقش مکمل در تحقق مطالبات عدالت‌محور جامعه دارند و در عین حال گاه با یکدیگر در تعارض قرار می‌گیرند. عدالت توزیعی بر مبنای دسترسی عادلانه به منابع مادی و خدمات پایه (مسکن، سلامت، تأمین اجتماعی و توسعه زیرساخت‌های روستایی) بنا شده و عمدتاً در قالب برنامه‌های توسعه پنج‌ساله، سیاست‌های انبوه‌سازی مسکن و گسترش بیمه‌های همگانی تبلور یافته است. عدالت مشارکتی، با تمرکز بر حضور فعال آحاد مردم، به‌ویژه زنان، دانشجویان و اقشار آسیب‌پذیر در فرآیندهای تصمیم‌سازی و نظارت بر اجرایی‌سازی برنامه‌ها، ظرفیت‌های نهادسازی مردمی و گسترش حقوق شهروندی را ارتقاء داده است. عدالت هنجاری نیز مؤلفه‌های بنیادین گفتمانی مانند مبانی اسلامی، نگرش انتقادی به نظم بین‌الملل و آرمان‌های انقلابی را به‌مثابه چارچوبی نظری در پس تمامی سیاست‌ها مورد تأکید قرار داده است.

پیوند میان این سه وجه گفتمانی نشان می‌دهد که سیاست‌های عادلانه در جمهوری اسلامی نمی‌توانند صرفاً بر یکی از ابعاد تمرکز کنند؛ بلکه لازم است در طراحی راهبردها و برنامه‌های اجرایی، همزمان به توزیع منابع، مشارکت فعال مردم و مبانی ارزشی و هنجاری توجه شود. در غیر این صورت، خطر گسست گفتمانی، جایی که دولت‌ها تنها به یک جنبه از عدالت بپردازند ، وجود دارد و این امر موجب می‌شود سیاست‌ها از انسجام لازم برخوردار نباشند و دستاوردهای ملموس عدالت اجتماعی در سطح جامعه کاهش یابد.

نگاهی تطبیقی به دوره‌های مختلف حکمرانی نشان می‌دهد که هرچند اولویت‌های اجرایی در بازه‌های زمانی متفاوت تغییر یافته است، اما هسته مشترک گفتمان عدالت اجتماعی در قانون اساسی و آموزه‌های انقلاب اسلامی ثابت مانده و دولت‌ها در تلاش بوده‌اند این هسته را در قالب مصادیق مختلف متناسب با شرایط زمانی تبیین کنند. از این منظر، گفتمان عدالت اجتماعی در جمهوری اسلامی ایران نه‌تنها در خدمت پاسخ به نیازهای عینی مردم قرار گرفته، بلکه همواره از پشتوانه نظری و هنجاری مستحکمی برخوردار بوده است.

با این همه، تحلیل مضمون حاضر نشان داد که تا کنون کمتر پژوهشی به‌طور نظام‌مند رابطه میان تم‌های گفتمانی عدالت و نتایج عینی اقتصادی و اجتماعی را بررسی کرده است. بنابراین، برای ارتقاء فهم از تأثیرات واقعی سیاست‌های عدالت اجتماعی، می‌بایست در پژوهش‌های آینده، برون‌دادهای هر یک از تم‌های شناسایی‌شده (مثلاً تغییرات شاخص فقر مطلق، میزان نابرابری طبقاتی بر پایه ضریب جینی، نرخ مشارکت سیاسی-اجتماعی گروه‌های حاشیه‌ای) تحلیل و با تبیین گفتمانی پیوند داده شوند. چنین رویکردی می‌تواند امکان سنجش اثربخشی گفتمان عدالت را در ابعاد مختلف فراهم ساخته و به سیاستگذاران امکان دهد سیاست‌هایی هم‌افزاتر و هماهنگ‌تر را طراحی کنند.

- **کاربردهای سیاستی**

با توجه به نتایج فوق، پیشنهاد می‌شود سیاستگذاران حوزه‌های اقتصادی و اجتماعی به تدوین راهبرد تلفیقی عدالتروی آورند، بدین معنا که سیاست‌های توزیعی (نظیر توزیع درآمد و امکانات)، مشارکتی (گسترش نهادهای مدنی و ارتقاء حقوق شهروندی) و هنجاری (تضمین هم‌سویی برنامه‌ها با اصول قانون اساسی و ارزش‌های اسلامی) در چارچوبی واحد طراحی و اجرا شوند. این راهبرد مستلزم ایجاد سازوکارهای هماهنگی بین‌دستگاهی از جمله وزارتخانه‌های تعاون، کار و رفاه اجتماعی، علوم، تحقیقات و فناوری، و نهادهای فرهنگی است تا از تمرکززدایی و پراکندگی وظایف جلوگیری شود و از ظرفیت تمامی بازیگران اجتماعی بهره‌گیری شود.

یکی از راهکارهای عملیاتی برای تحقق این راهبرد، ایجاد سامانه یکپارچه عدالت اجتماعی است که امکان رصد مستمر شاخص‌های عدالت توزیعی (فقر، ضریب جینی، شاخص دسترسی به خدمات عمومی) و عدالت مشارکتی) میزان مشارکت در شوراها وNGO ها، درصد مشارکت زنان و جوانان در تصمیم‌سازی‌ها (را فراهم آورد. افزون بر این، بهره‌گیری از شاخص‌های هنجاری مانند پایش انطباق سیاست‌ها با اصول قانون اساسی و بیانیه‌های رهبری می‌تواند ابعاد ارزشیِ عدالت را نیز در ارزیابی عملکرد دولت‌ها لحاظ کند. دسترسی عمومی به نتایج این سامانه، نه‌تنها شفافیت و پاسخگویی را ارتقاء می‌دهد، بلکه زمینه‌ی تعامل سازنده میان دولت و جامعه مدنی را فراهم می‌آورد.

علاوه بر این، پیشنهاد می‌شود در تدوین برنامه‌های آتی توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، نقشه راه عدالت‌بنیان تهیه شود که در آن اهداف کلانِ عدالت توزیعی، مشارکتی و هنجاری با استانداردهای کمی و کیفی مشخص، بازه‌های زمانی و مسئولیت دستگاه‌های اجرایی تعریف شده باشد. این نقشه راه باید بر اساس تحلیل داده‌های میدانی و اسنادی طراحی شود و بازنگری آن بر پایه گزارش‌های دوره‌ای با مشارکت نخبگان علمی، نمایندگان گروه‌های اجتماعی و کارشناسان سیاستگذاری انجام گیرد. چنین سازوکاری می‌تواند از اجرای برنامه‌های بخشی و جزیره‌ای جلوگیری نماید و دستاوردهای عدالت اجتماعی را به‌صورت مستمر پایش کند.

- **محدودیت‌ها**

نخست آنکه این مطالعه به متون رسمی و اسناد منتشرشده دسترسی داشته و امکان بررسی کامل اسناد داخلی، جلسات پنهانی و مذاکرات کارشناسی نهادهای دولتی وجود نداشته است. از این رو، برخی ابعاد اعمالی و تصمیم‌سازی‌های پشت‌پرده ممکن است در تحلیل مضمون کنونی مغفول مانده باشد.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

فصلنامه پژوهش های نوین در علوم انسانی و حقوق دوره ۱- شماره ۳ – صفحات۷۶-۶۰
Journal of new Researches in Humanities and Law
ISSN 3060-6101

دسترسی محدود به داده‌های کمی دقیق مانند گزارش‌های تفصیلی هزینه‌کرد برنامه‌ها یا مطالعات میدانی تفکیکی هر قشر اجتماعی از دیگر محدودیت‌های این پژوهش است.

دوم آنکه تمرکز بر متون رسمی و سخنرانی‌های رؤسای جمهور و اسناد رسمی موجب شده است دیدگاه‌های میدانی فعالان غیردولتی، کارشناسان بخش خصوصی و اقشار حاشیه‌ای به‌طور کامل منعکس نشود. بدین ترتیب، پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی با بهره‌گیری از مصاحبه‌های عمقی با نمایندگان NGOها، تحلیل گفتمانی خبرگزاری‌ها و رسانه‌های مستقل و روش‌های میدانی کیفیتی، ابعاد متنوع‌تری از گفتمان عدالت اجتماعی بررسی گردد. این تکمیل روش‌شناختی می‌تواند به غنای بیشتر تحلیل‌ها و افزایش اعتبار نتایج کمک نماید.

گزاره‌های استخراج‌شده و کدهای اولیه

ردیف	مفهوم کد	کد اولیه	جملات منتخب	رفرنس
۱	هم‌آفرینی جمع و فرد در سیاست عدالت	تلفیق فلسفه سیاسی و شریعت	الگوپردازی سیاست عدالت اجتماعی در ایران پس از انقلاب اسلامی نشان می‌دهد که این سیاست نه صرفاً لیبرالیستی و نه صرفاً سوسیالیستی بوده، بلکه از فلسفه سیاسی اسلامی نشأت گرفته و هم‌نوایی جمعی و شکوفایی فردی را به‌طور همزمان دنبال می‌کند. این ترکیب دو روایت هستی‌شناختی و هنجاری، چارچوبی یگانه برای تنظیم سیاست‌های رفاهی، توزیعی و آزادی‌های فردی فراهم آورده است.	**براتعلی‌پور (۱۳۹۴)**
۲	دوگانگی مبنایی در چارچوب عدالت	تمایز روایت هستی‌شناختی و هنجاری	در این مطالعه دو روایت هستی‌شناختی و هنجاری شناسایی شده که سیاست‌های عدالت را تعیین می‌کنند، روایت هستی‌شناختی بر مبنای ساختارهای اجتماعی و روایت هنجاری بر پایه اصول اسلامی-انقلابی. این دو روایت گاه موازی و گاه متقابل عمل کرده و نحوه اجرای سیاست‌ها را در دوره‌های مختلف رقم زده‌اند.	**براتعلی‌پور (۱۳۹۴)**
۳	تعادل در هدف‌های فردمحور و جمع‌محور	نوسان تمرکز بر فرد و جمع	گزاره‌های تحلیلی نشان داده است که محوریت شکوفایی فردی در برخی دوره‌ها منجر به اولویت‌دهی به آموزش و ارتقای توانمندی‌های انسانی شد، در حالی که هم‌نوایی جمعی در متن سیاست‌های رفاهی و توزیع منابع مشهود بود. این نوسان بین دو محور، ثبات هسته نظری را حفظ و تنوع مصادیق را نیز تضمین کرده است.	**براتعلی‌پور (۱۳۹۴)**
۴	چالش‌های اجرایی در مواجهه با ثقل هنجاری	اولویت هنجار بر هستی‌شناسی	نویسنده با تحلیل اسنادی نتیجه می‌گیرد که هم‌راستایی مداوم با قانون اساسی و آموزه‌های امام(ره)، پشتوانه هنجاری سیاست‌ها را تقویت کرده اما گاه در اجرا با چالش‌های نهادی مواجه بوده است،به‌ویژه زمانی که روایت هنجاری بر روایت هستی‌شناختی غلبه یافته است.	**براتعلی‌پور (۱۳۹۴)**
۵	پیوند گفتمان با شاخص‌های عینی	نیاز به سنجش کمی آثار گفتمان	این پژوهش توصیه می‌کند برای آینده، علاوه بر نگاشت تم‌های گفتمانی، ارتباط آن‌ها با نتایج عینی عدالت نظیر کاهش ضریب جینی و فقر سنجیده شود تا سیاست‌ها بر پایه شواهد کمی نیز تقویت گردند.	**براتعلی‌پور (۱۳۹۴)**
	تغییر اولویت‌های جنسیتی در سیاست‌های توسعه	بازتعریف متغیر عدالت جنسیتی	تحلیل لوایح و برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نشان می‌دهد که توانمندسازی زنان، اشتغال، حجاب و عفاف و امنیت زنان به‌عنوان چهار رکن عدالت جنسیتی در هر دوره با تأکید متفاوت بازتعریف شده‌اند. برای مثال، در سال‌های اولیه، محوریت بر حجاب و امنیت زنان بود اما در دوره‌های بعد بر فرصت‌های شغلی و توانمندسازی اقتصادی تمرکز شد.	**صفری‌شالی (۱۳۹۴)**
۶	حرکت از فرهنگی به اقتصادی در عدالت جنسیتی	توانمندسازی اقتصادی زنان	جملات منتخب از لایحه سوم توسعه: وعده ی اشتغال مولد برای زنان سرپرست خانوار، گامی مهم در جهت توانمندسازی اقتصادی آنهاست... این تأکید نشان‌دهنده آن است که گفتمان جنسیتی از بُعد فرهنگی عبور کرده و به ابعاد اقتصادی-اجتماعی نیز رسیده است.	**صفری‌شالی (۱۳۹۴)**

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

فصلنامه پژوهش های نوین در علوم انسانی و حقوق دوره ۱- شماره ۳ – صفحات۷۶-۶۰
Journal of new Researches in Humanities and Law
ISSN 3060-6101

۷	دسته‌بندی دال‌های فرهنگی و اقتصادی	تقابل ارزش و فرصت درگفتمان جنسیتی	بررسی گفتمان نشان می‌دهد که مفاهیم حجاب و عفاف، در لوایح توسعه، گاه به‌عنوان ضامن امنیت اجتماعی زنان و گاه به‌عنوان مانع مشارکت اقتصادی آنها قلمداد می‌شده است، تناقضی که سیاستگذاران برای رفع آن به تعادل میان ارزش و فرصت روی آورده‌اند.	**صفری‌شالی (۱۳۹۴)**
۸	نقش رسانه در جهت‌دهی گفتمان	**تغییر بستر رسانه‌ای در گفتمان جنسیتی**	داده‌های مصاحبه با کارشناسان نشان می‌دهد که برداشت‌های مختلف از عدالت جنسیتی بسته به ملاحظات ایدئولوژیک دولت، دامنه رسانه‌ای متفاوتی یافته و در برخی دوره‌ها رسانه‌های رسمی تاکید را بر امنیت زنان گذاشتند و در دوره‌های بعد بر کارآفرینی زنان.	**صفری‌شالی (۱۳۹۴)**
۹	امتزاج دو بُعد جنسیتی و مشارکتی	پیوند عدالت جنسیتی با مشارکت	نتایج حاکی است که عدالت جنسیتی به‌عنوان دال شناور در گفتمان کلان، پیوند خود را با عدالت مشارکتی نیز نشان داده و به مشارکت سیاسی-اجتماعی زنان در شوراها و نهادهای مدنی تعمیم یافته است.	**صفری‌شالی (۱۳۹۴)**
۱۰	کاستی‌های عملی بیمه همگانی	فاصله شعار و واقعیت در عدالت درمانی	در حوزه سلامت، سیاست بیمه همگانی با این شعار معرفی شد که دسترسی برابر به خدمات درمانی حق همه شهروندان است، اما بررسی هزینه‌های دوره به دوره نشان داد که سهم عمده‌ای از هزینه‌ها همچنان بر دوش خانوار باقی مانده و شکاف عدالت در عمل تداوم یافته است.	**صفری‌شالی (۱۳۹۴)**
۱۱	ضعف نظارتی در اجرای بیمه همگانی	انطباق نارضایتمند میان هدف و اجرا	لایحه بودجه سال ۱۳۸۵ تصریح می‌کرد: افزایش پوشش بیمه همگانی به ٪۸۰ جمعیت کشور، اما گزارش عملکرد نشان داد تنها ٪۶۵ تحت پوشش واقعی قرار گرفته‌اند که این عدم انطباق، ضعف نظارت و اجرای ناقص سیاست‌ها را برجسته می‌کند.	**صفری‌شالی (۱۳۹۵)**
۱۲	تأثیر سرمایه‌گذاری سنگین بر تداوم عدالت درمانی	فشار مالی طرح تحول سلامت	متون سیاستگذاری نشان می‌دهد که در کنار بیمه همگانی، طرح تحول نظام سلامت با تاکید بر زیرساخت‌های بیمارستانی شهری کلید خورد، اما بهای احداث و نگهداشت این زیرساخت‌ها به‌سرعت افزایش یافته و بار مالی بر بودجه عمومی و خانوارها افزوده است.	**صفری‌شالی (۱۳۹۵)**
۱۳	گسترش دامنه عدالت درمانی	ضرورت تأمین کیفیت و پایداری خدمات	کارشناسان بر این باورند که گفتمان عدالت سلامت باید فراتر از دسترسی به جریان کیفیت و پایداری خدمات نیز توجه کند تا عدالت درمانی در بلندمدت تضمین شود.	**صفری‌شالی (۱۳۹۵)**
۱۴	ناتمامی مسکن حمایتی	تحقق ناقص پروژه‌های حمایتی	گفتمان مسکن در برنامه چهارم توسعه بر مسکن حمایتی تاکید داشت: ایجاد ۱۰۰ هزار واحد مسکن اجتماعی برای اقشار کم‌درآمد، اما بخش عمده این پروژه تا پایان دوره ناتمام ماند و بسیاری از مصوبات به مرحله ساخت نرسید.	**صفری‌شالی (۱۴۰۱)**
۱۵	عدم تعادل جغرافیایی در مسکن	تبعیض شهری-روستایی در سیاست مسکن	بررسی اسناد نشان داد که در دوره چهارم توسعه، انبوه‌سازی مسکنبا اولویت شهرهای بزرگ اجرا شد و مناطق روستایی از این طرح تقریباً محروم ماندند؛ تناقضی که سیاستگذاران با همگامی شهر و روستاپاسخ دادند اما اثرات آن همچنان محل مناقشه است.	**صفری‌شالی (۱۴۰۱)**
۱۶	ناکارآمدی تخصیص منابع قانونی	عدم تخصیص واقعی بودجه مصوب	در لایحه بودجه سال ۱۴۰۰، تخصیص ٪۱۰ درآمد فروش نفت به بخش مسکن روستایی پیش‌بینی شد اما گزارش‌های میدانی حاکی است کمتر از ٪۳ به این حوزه تخصیص یافته و ناکارآمدی شیوه تخصیص منابع نمایان شد.	**صفری‌شالی (۱۴۰۱)**
۱۷	تداخل گفتمان اقتصادی و مسکن	تضاد اولویت اقتصادی و برنامه مسکن	**متون سخنرانی رئیس جمهور بر لزوم احیای بافت‌های فرسوده تاکید داشت اما بحران منابع و اولویت‌های دیگر اقتصادی مانع اجرای کامل سیاست شد؛ این موضوع نشان می‌دهد گفتمان مسکن در سیاست کلان گاه درگیر تضاد اولویت‌ها می‌شود.**	**صفری‌شالی (۱۴۰۱)**
۱۸	پایداری ارزش‌های بنیادین	ثبات هسته شیعی عدالت	فراز و فرود گفتمان عدالت در جمهوری اسلامی ایران از دوره مستضعفین تا عدالت‌محور نشان می‌دهد هسته‌های مفهومی عدالت شیعی مانند تکیه بر فقیرمداری و نفی اشرافیت در تمامی دولت‌ها پایدار بوده اما هر دوره مصادیق جدیدی یافته است.	**خواجه سروی (۱۳۸۶)**

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

فصلنامه پژوهش های نوین در علوم انسانی و حقوق دوره ۱- شماره ۳ – صفحات۷۶-۶۰
Journal of new Researches in Humanities and Law
ISSN 3060-6101

۱۹	حفظ هژمونی گفتمان انقلاب	انعطاف‌پذیری دو محور فقیرمداری و توسعه	نویسنده با تحلیل اسناد دوره سازندگی و اصلاحات نتیجه می‌گیرد که در هر دوره، گفتمان عدالت بر دو محور فقیرمداری و توسعه‌محوریتنعطف یافته و این انعطاف‌پذیری، امکان حفظ هژمونی گفتمان انقلاب را فراهم آورده است.	**خواجه سروی (۱۳۸۶)**
۲۰	پرهیز از افراط در سیاست‌های عدالت	میان‌راهی توزیع و رشد	مطالعات نشان می‌دهد این گفتمان در دوره‌های عدالت‌محور و اعتدال، بیشتر بر اعتدال میان توزیع و رشد اقتصادی متمرکز شده و از افراط در هر یک از رویکردها پرهیز گردیده است.	**خواجه سروی (۱۳۸۶)**
۲۱	سندیت هنجاری گفتمان عدالت	جایگاه قانون اساسی در هنجارسازی	در بازنگری دوره‌ای قانون اساسی، اصل چهارم بر سیاستگذاری در جهت تحقق عدالت اجتماعی تاکید شد که به‌عنوان سند مرجع، مبنای هنجاری تمامی سیاست‌های عدالت بعد از انقلاب قرار گرفت.	**خواجه سروی (۱۳۸۶)**
۲۲	گسترش گفتمان عدالت به فرامرزی	دفاع از مستضعفان جهانی	عدالت اسلامی و گفتمان انتقادی در سیاست خارجی ایران بر آموزه «لیقوم الناس بالقسط» استوار است، بر این مبنا ایران خود را مسئول دفاع از مستضعفان جهانی می‌داند و سیاست‌های بین‌المللی خود را در این چارچوب سامان می‌دهد.	**پیشگاهی فرد، زارعی (۱۳۸۹)**
۲۳	بازنمایی گفتمان عدالت در دیپلماسی	نقد هژمونی غرب	متن سخنرانی وزیر خارجه در مجمع عمومی سازمان ملل: ایران نقد عمیق خود را به هژمونی اقتصادی و سیاسی غرب اعلام می‌دارد و از نظام عادلانه ی بین‌المللی حمایت می‌کند. این گزاره نشان می‌دهد گفتمان عدالت هنجاری در عرصه بین‌الملل به زبان دیپلماسی ترجمه شده است.	**پیشگاهی فرد، زارعی (۱۳۸۹)**
۲۴	کارکرد متناقض گفتمان عدالت در سیاست خارجی	تضاد گفتار و کردار دیپلماسی	تحلیل اسناد نشان می‌دهد که این گفتمان انتقادی در عمل به تحریم‌ها و تضییقات متقابل منتهی شده و میزان موفقیت آن در بهبود شرایط مستضعفان جهانی محل مناقشه سیاستمداران و پژوهشگران است.	**پیشگاهی فرد، زارعی (۱۳۸۹)**
۲۵	تنزل گفتمان عدالت از فراگیر به بومی	محدودسازی گفتمان به منافع ملی	سیاست خارجی عدالت‌محور در دولت احمدی‌نژاد با شعار عدالت برای همه همراه بود اما ملاحظات قدرت منطقه‌ای و رقابت‌های سیاسی، ساختار گفتمانی این عدالت را به منافع ملی محدود کرد.	**پیشگاهی فرد، زارعی (۱۳۸۹)**
۲۶	عدالت ساختاری فراملی	تأکید بر بازسازی نهادهای بین‌المللی	گفتمان انقلاب اسلامی و اندیشه عدالت ساختاری نشان می‌دهد که اصلاح ساختارهای بین‌المللی، اعم از نظام حقوق بشر و ساختار مالی جهانی، در سرلوحه اهداف حکومتی قرار گرفته و ایران خواستار بازتعریف نهادهای جهانی به نفع حقوق مستضعفان است.	**آدمی، ابویسانی (۱۳۹۵)**
۲۷	کنش‌گرایی نظری برای اصلاح نهادها	پیشنهاد شورای عدالت جهانی	متن مقاله حاکی است که این گفتمان ساختاری نه صرفاً انتقادی بلکه سازنده است و پیشنهاداتی مانند تشکیل شورای عدالت جهانی ارائه شده تا نظارت بر سیاست‌های بین‌المللی را تقویت کند.	**آدمی، ابویسانی (۱۳۹۵)**
۲۸	قدرت نرم انقلاب در تحول نهادهای جهانی	ظرفیت منطقه‌ای گفتمان عدالت	پژوهشگران بر این باورند که ظرفیت گفتمان عدالت ساختاری در ایران، به دلیل تجربه انقلاب و مقاومت در برابر هژمونی، بیش از بسیاری از کشورهای مشابه در منطقه است.	**آدمی، ابویسانی (۱۳۹۵)**
۲۹	نیاز به پیوند دیپلماسی و نظریه	گسست نظری و عملی در گفتمان فرامرزی	با وجود غنای نظری، مهم‌ترین چالش این گفتمان، اتصال آن با کنش‌های عملی در عرصه بین‌الملل است؛ فقدان دیپلماسی مذاکره‌ای و توازن قوا مانع از تحقق برخی پیشنهادات ساختاری شده است.	**آدمی، ابویسانی (۱۳۹۵)**
۳۰	دوام و انسجام هنجاری گفتمان عدالت	پایداری اصول بنیادین عدالت شیعی	در میزگرد گفتمان انقلاب اسلامی مطرح شد که هسته‌های عدالت در اندیشه شیعی، همچون دوری از اشرافیت، همدلی با محرومان و تلاش برای رفع تبعیض، در تمامی دوره‌های پس از انقلاب پابرجا مانده است. این اصول بنیادین با وجود تغییر مصادیق و شیوه‌های اجرا، به مثابه پیوند دهنده گفتمان عدالت اجتماعی عمل می‌کنند و پشتوانه نظری مستحکمی را برای سیاستگذاران فراهم آورده‌اند.	**خرم‌شاد (۱۳۸۱)**
۳۱	ارتباط علم و عدالت آموزشی و اقتصادی	تأکید بر تولید علم بومی	خرم‌شاد تأکید کرد که نهضت تولید علم یکی از مصادیق پیوند علم و عدالت در گفتمان انقلاب است؛ چرا که تولید دانش بومی و ارتقای ظرفیت علمی دانشگاه‌ها به‌عنوان پایه‌های عدالت آموزشی و اقتصادی مورد توجه قرار گرفته و نشان می‌دهد عدالت اجتماعی تنها به توزیع مادی محدود نمی‌ماند.	**خرم‌شاد**

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

فصلنامه پژوهش های نوین در علوم انسانی و حقوق دوره ۱- شماره ۳ – صفحات۷۶-۶۰
Journal of new Researches in Humanities and Law
ISSN 3060-6101

				(۱۳۸۱)
۳۲	گسترش عدالت فرهنگی و مشارکتی از طریق نرم‌افزار	اهمیت جنبش نرم‌افزاری	از نگاه او، جنبش نرم‌افزاری یک بستر معنایی برای ترویج عدالت فرهنگی و سیاست‌های نرم‌افزاری است، این جنبش با توسعه محتواهای بومی و نرم‌افزارهای آموزشی و فرهنگی، امکان مشارکت گسترده اقشار مختلف جامعه را در فرآیند عدالت فرهنگی و نرم‌افزاری فراهم ساخته و نشان‌دهنده ظهور بعد جدیدی از عدالت مشارکتی است.	خرم‌شاد (۱۳۸۱)
۳۳	تقویت مشارکت فکری و اجتماعی در عدالت	نهادسازی کرسی‌های آزاداندیشی	وی به کرسی‌های آزاداندیشی به‌عنوان نماد عملی عدالت مشارکتی اشاره کرد؛ کرسی‌هایی که در دانشگاه‌ها و مراکز فرهنگی برگزار می‌شوند، فضای گفت‌وگو و نقد را گشودند و به فعالان و دانشجویان امکان دادند سهمی واقعی در شکل‌دهی به سیاست‌های عدالت آموزشی و اجتماعی داشته باشند.	خرم‌شاد (۱۳۸۱)
۳۴	حفظ سلامت فرهنگی و هنجاری گفتمان عدالت	مقاومت در برابر اشرافیت فرهنگی	خرم‌شاد در پایان یادآور شد که تداوم هجمه‌های فرهنگی و مقاومت در برابر جریان‌های اشرافی و غیرتخصصی، بخش مهمی از گفتمان عدالت هنجاری را تشکیل می‌دهد، این مقاومت که ریشه در آموزه‌های اسلامی دارد، به پایداری اخلاقی و فرهنگی گفتمان عدالت اجتماعی کمک کرده است.	خرم‌شاد (۱۳۸۱)
۳۵	ارتقای جایگاه زنان در تصمیم‌سازی محلی	تقویت کرسی‌های زنان در شورا	مطالعات سیدی نشان می‌دهد که مشارکت سیاسی-اجتماعی زنان در گفتمان انقلاب اسلامی نه صرفاً به‌عنوان مظهر عدالت جنسیتی، بلکه ابزاری برای بازتعریف نقش زنان در فرایندهای تصمیم‌سازی شهری و روستایی به کار گرفته شده است. در سخنرانی‌های رسمی، بر ضرورت حضور زنان در شوراهای محلی تأکید شد و حتی در متن برنامه‌های توسعه پنج‌ساله، اهداف کمی مشارکت زنان درج گردید تا بار دیگر موقعیت آنان در ساخت قدرت تثبیت شود.	سیدی، فرانک (۱۴۰۰)
۳۶	تفاوت میان تعهد گفتمانی و اجرای عملی	موانع نهادی مشارکت زنان	یافته‌ها حاکی است که با وجود تأکید نظری بر مشارکت فراگیر، در عمل سازوکارهای اجرایی مانند ورود به فهرست نامزدها و دسترسی به منابع تبلیغاتی برای زنان محدودیت داشت. این تناقض میان دال‌های شناور عدالت مشارکتی و موانع نهادی، نشانگر مقاومت ساختاری در برابر تغییر نقش جنسیتی سنتی بوده است.	سیدی، فرانک (۱۴۰۰)
۳۷	قدرت‌گیری جامعه مدنی زنان	شکل‌گیری تشکل‌های زنان	بر اساس مصاحبه با فعالان NGO زنان، سیدی نتیجه می‌گیرد که شبکه‌های مردمی زنان شامل تشکل‌های علمی، فرهنگی و حمایتی نقش مهمی در افزایش مطالبه‌گری و شکل‌گیری اجماع صنفی ایفا کرده‌اند، هرچند این شبکه‌ها همچنان از حمایت دولتی مستقل برخوردار نیستند.	سیدی، فرانک (۱۴۰۰)
۳۸	تطور مفهومی عدالت مشارکتی زنان	تبدیل دال حمایت به توانمندسازی	در تحلیل محتوای سخنرانی‌های رؤسای جمهور، سیدی می‌نویسد که دال حمایت از خانواده به تدریج به توانمندسازی اقتصادی زنان تبدیل شد و این دگرگونی نشان می‌دهد گفتمان عدالت مشارکتی زنان قابلیت انعطاف با اولویت‌های سیاسی- اجتماعی را دارد.	سیدی، فرانک (۱۴۰۰)
۳۹	پیوند مشارکت با حقوق شهروندی	نیاز به اصلاح قانون انتخابات	سیدی بر این نکته تأکید می‌کند که بدون اصلاح قانون انتخابات و تضمین حق رأی برابر، هیچ تحول نهادی در مشارکت زنان پایدار نخواهد بود و تکرار وعده‌های مشارکت در اسناد رسمی تنها در صورتی به نتیجه می‌رسد که زیرساخت‌های حقوق شهروندی تقویت شوند.	سیدی، فرانک (۱۴۰۰)
۴۰	تضاد بین هدف و ظرفیت اجرایی توسعه روستا	متمرکزسازی تخصیص منابع	پژوهش کردزنگنه و همکاران نشان می‌دهد که در اسناد برنامه‌های پنج‌ساله، دال عمران و نوسازی روستا با تمرکز بر توسعه زیرساخت‌های کشاورزی و اشتغال پایدار در مناطق محروم تبلور یافته است، اما وابستگی به درآمد نفتی و تخصیص متمرکز منابع، عملاً توان اجرای این برنامه‌ها را به سطح پروژه‌های نمادین محدود کرده است.	کردزنگنه، منوچهر، وحیدا، فریدون، مهاجرانی، علی‌اصغر (۱۳۹۹)
۴۱	فقدان استراتژی بلندمدت اشتغال در روستا	ناکافی‌بودن طرح‌های اشتغال فصلی	داده‌های کیفی حاکی است که کد اشتغال پایدار در اسناد توسعه روستایی به‌عنوان وعده‌ای کلیدی مطرح شده اما در عمل، تمرکز بر کارهای موقتی فصلی و تسهیلات خرد، نتوانست تضمین واقعی برای پایداری معیشت روستاییان باشد.	کردزنگنه، منوچهر، وحیدا، فریدون، مهاجرانی، علی‌اصغر (۱۳۹۹)
۴۲	ضعف ساختاری نهادهای محلی	تقلیل نقش شوراهای محلی به نمایشی	تحلیل گفتمان نشان می‌دهد که مشارکت محلی در قالب شوراهای اسلامی روستا بایستی نقش نظارتی و مشورتی می‌داشت اما به دلیل عدم استقلال مالی و اجرایی، بیشتر به نقش نمایشی تقلیل یافته و نتوانسته است بازوی قدرتمندی برای عدالت مشارکتی در مناطق محروم باشد.	کردزنگنه، منوچهر، وحیدا، فریدون، مهاجرانی، علی‌اصغر (۱۳۹۹)

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

فصلنامه پژوهش های نوین در علوم انسانی و حقوق دوره ۱- شماره ۳ – صفحات۷۶-۶۰
Journal of new Researches in Humanities and Law
ISSN 3060-6101

۴۳	تعارض منافع ملی با توسعه روستایی	تضاد اقتصاد نفتی و تنوع اقتصادی	پژوهشگران اشاره می‌کنند که دال اقتصاد نفتی در اسناد توسعه روستایی همواره با دال تنوع‌بخشی اقتصادی در تضاد بوده و این دوگانگی، راه را برای سیاست‌های نیمه‌تمام و پروژه‌های کوتاه‌مدت هموار کرده است.	**کردزنگنه، منوچهر، وحیدا، فریدون، مهاجرانی، علی‌اصغر (۱۳۹۹)**
۴۴	ضرورت دموکراتیزه‌شدن تصمیم‌های توسعه روستایی	انتقال تخصیص از بالا-پایین به مشارکتی	این مطالعه تأکید می‌کند که برای تحقق عدالت توزیعی در روستاها، لازم است سازوکارهای تخصیص منابع از الگوی بالا-پایین به فرایندهای مشارکتی مردمی منتقل شود تا بازتوزیع واقعی و شفاف صورت گیرد.	**کردزنگنه، منوچهر، وحیدا، فریدون، مهاجرانی، علی‌اصغر (۱۳۹۹)**
۴۵	ظهور مطالبه‌گری شبکه‌ای اقشار حاشیه‌نشین	نابرابری اقتصادی به‌عنوان محرک گفتمان	زایرکعبه و همکاران نشان می‌دهند که نابرابری اقتصادی و گستردگی فقر در دهه‌های پس از انقلاب، بستری برای بروز گفتمان عدالت اجتماعی فراهم آورد که در آن گروه‌های اقلیتی و حاشیه‌نشین مطالبه‌گری خود را از طریق شبکه‌های محلی و رسانه‌های مستقل تقویت کردند.	**زایرکعبه، رحیم، قریشی‌فرد، فردین، علی‌زاده اقدم، محمدباقر (۱۳۹۶)**
۴۶	پیوند فشار خارجی با جنبش‌های مطالبه‌گرانه داخلی	تأثیر تحریم‌ها بر حساسیت عدالت ساختاری	تحلیل تاریخی-تکوینی نشان می‌دهد فشار بین‌المللی و تحریم‌های اقتصادی باعث شد جامعه ایرانی نسبت به عدالت ساختاری اعم از توزیع منابع و مشارکت سیاسی حساسیت بیشتری پیدا کند و این حساسیت در گفتمان‌های مدنی و رسانه‌ای منعکس شود.	**زایرکعبه، رحیم، قریشی‌فرد، فردین، علی‌زاده اقدم، محمدباقر (۱۳۹۶)**
۴۷	فشار مردمی به اصلاح سیاست‌های رسمی	کنشگری مستقل نهادهای مدنی	داده‌های مصاحبه نشان می‌دهد نقش نهادهای مدنی در تقویت گفتمان عدالت، اغلب در غیاب حمایت رسمی دولت، از طریق اقدامات محلی و شبکه‌سازی اجتماعی انجام شده و این امر، نوعی فشار از پایین به بالا را در فرایندهای سیاستگذاری ایجاد نموده است.	زایرکعبه، رحیم، قریشی‌فرد، فردین، علی‌زاده اقدم، محمدباقر (۱۳۹۶)
۴۸	بروز مطالبه‌گری نسل جوان	تأثیر متغیرهای جمعیتی بر گفتمان عدالت	این پژوهش بر تأثیر ساختارهای جمعیتی نظیر افزایش جمعیت جوان و تحولات جنسیتی بر گفتمان عدالت تأکید می‌کند و نشان می‌دهد که تحولات جمعیتی، مطالبات جدیدی در زمینه عدالت آموزشی و شغلی به وجود آورده است.	زایرکعبه، رحیم، قریشی‌فرد، فردین، علی‌زاده اقدم، محمدباقر (۱۳۹۶)
۴۹	تداوم و بازتولید شبکه‌ای گفتمان عدالت	گفتمان به‌مثابه محصول تعامل تاریخی	زایرکعبه و همکاران نتیجه می‌گیرند که گفتمان عدالت اجتماعی در ایران، بیش از آنکه محصول یک دوره خاص باشد، برآمده از تعامل تاریخی ساختارهای اقتصادی، فرهنگی و سیاسی است که در قالب شبکه‌های اجتماعی محلی بازتولید شده است.	زایرکعبه، رحیم، قریشی‌فرد، فردین، علی‌زاده اقدم، محمدباقر (۱۳۹۶)
۵۰	تنوع رویکردهای رفاهی در دوره‌های مختلف	ظهور چهار گفتمان رفاهی	تحلیل رفاه و تأمین اجتماعی نشان می‌دهد در دولت سازندگی، چهار گفتمان مستضعف‌محوری، جبران کاستی‌های توسعه اقتصادی، نظام جامع رفاه و دسترسی یکسان به حمایت‌ها پدیدار شدند که هر یک در اسناد رسمی برنامه‌های توسعه بازتاب یافته است.	**اسدی‌زاهد، زهرا، زاهدی مازندرانی، محمدجواد، ربیعی، علی (۱۴۰۰)**
۵۱	نقش تشکل‌های غیردولتی در تضمین عدالت رفاهی	برون‌سپاری بخشی از خدمات رفاهی	در دوره اصلاحات، تمرکز بر گفتمان دسترسی یکسان باعث شد سیاست‌های بیمه‌ای و حمایتی از چارچوب متمرکز خارج و به نفع تنوع خدمات ارائه شده توسط NGO ها و شرکت‌های تعاونی به‌روزرسانی شود.	**اسدی‌زاهد، زهرا، زاهدی مازندرانی، محمدجواد، ربیعی، علی (۱۴۰۰)**
۵۲	تأثیر نابرابر پرداخت یارانه بر عدالت رفاهی	انحراف توزیعی یارانه‌ها	داده‌ها حاکی است که گفتمان جبران کاستی‌های توسعه اقتصادی در لوایح برنامه چهارم توسعه بر افزایش یارانه‌ها و تسهیلات بانکی برای اقشار آسیب‌پذیر تأکید داشت اما پرداخت‌های یارانه‌ای اغلب به دهک‌های بالاتر نیز رسید و شکاف توزیع را تشدید کرد.	**اسدی‌زاهد، زهرا، زاهدی مازندرانی، محمدجواد، ربیعی، علی (۱۴۰۰)**

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

فصلنامه پژوهش های نوین در علوم انسانی و حقوق دوره ۱- شماره ۳ – صفحات۷۶-۶۰
Journal of new Researches in Humanities and Law
ISSN 3060-6101

۵۳	توسعه رویکرد یکپارچه رفاهی	بازتعریف نظام رفاه به پوشش چندلایه	این تحقیق نشان می‌دهد که در دولت عدالت‌محور، گفتمان نظام جامع رفاه بازتعریف شد تا علاوه بر پوشش بیمه‌ای، به پوشش آموزشی و بازنشستگی نیز بپردازد، اقدامی که در اسناد رسمی با ادبیات پوشش چندلایه توصیف شده است.	**اسدی‌زاهد، زهرا، زاهدی مازندرانی، محمدجواد، ربیعی، علی (۱۴۰۰)**
۵۴	تقویت شفافیت و پاسخگویی در نظام رفاه	نیاز به نظارت دوره‌ای بر سیاست‌های رفاهی	اسدی‌زاهد و همکاران تأکید می‌کنند که بدون ایجاد سازوکارهای نظارت و ارزیابی دوره‌ای، گفتمان رفاه و تأمین اجتماعی در حد شعار باقی می‌ماند و اجرای عملی سیاست‌ها با چالش‌های شفافیت روبه‌رو خواهد شد.	**اسدی‌زاهد، زهرا، زاهدی مازندرانی، محمدجواد، ربیعی، علی (۱۴۰۰)**
۵۵	ضرورت تلفیق دو رویکرد توسعه‌ای	ترکیب گزینشی سیاست‌های لیبرالی و مداخله‌گر	نسبت‌سنجی عدالت اجتماعی با الگوهای توسعه نشان می‌دهد که ترکیب گزینشی سیاست‌های لیبرالی و مداخله‌گرایانه اعم از بازار آزاد و تنظیم مقررات دولتی به ارتقاء نسبی شاخص‌های عدالت مانند ضریب جینی و نرخ فقر منجر شده، اما هیچ الگوی خالصی نتوانسته عدالت را به‌طور کامل تأمین کند.	**کتابی، امیرعلی (۱۴۰۰)**
۵۶	ناپایداری آثار سیاست‌های مداخله‌گرانه	کاهش موقت ضریب جینی	کتابی با تحلیل داده‌های آماری دوره‌های مختلف نشان داد که دولت‌هایی که بر مداخله مستقیم در بازار تأکید داشتند، کاهش ضریب جینی کوتاه‌مدت بیشتری تجربه کردند اما در بلندمدت اثرات آنان قابل استمرار نبود.	**کتابی، امیرعلی (۱۴۰۰)**
۵۷	نقش هم‌افزایی مشارکت و توزیع در نتایج عدالت	ارتباط مشارکت مدنی و کاهش فقر	مطالعه مقایسه‌ای بین دولت‌های اصلاحات و عدالت‌محور حاکی از آن است که افزایش نرخ مشارکت سیاسی و اجتماعی نظیر حضورNGO ها با کاهش فقر مطلق ارتباط معناداری دارد، نکته‌ای که نشان می‌دهد عدالت توزیعی و مشارکتی باید همزمان مدنظر سیاستگذاران باشد.	**کتابی، امیرعلی (۱۴۰۰)**
۵۸	ضرورت راهبرد ترکیبی برای عدالت اجتماعی	پیشنهاد مدل عدالت تلفیقی	پژوهشگر نتیجه می‌گیرد که الگوی عدالت تلفیقی می‌تواند راهگشای سیاست‌های آینده باشد، الگویی که بر محور هم‌افزایی مداخلات اقتصادی، نهادسازی مدنی و سوالگری هنجاری مبتنی است.	**کتابی، امیرعلی (۱۴۰۰)**
۵۹	یکپارچگی داده‌های کمی و تحلیل گفتمانی	پیوند سنجش کمی و تحلیل کیفی	کتابی تأکید می‌کند که سنجش کمی نتایج نظیر نرخ مشارکت، نرخ بیکاری و ضریب جینی باید همراه با تحلیل گفتمانی مضامین باشد تا سیاستگذاران تصویری جامع از تأثیرات توصیفی و معنادار سیاست‌های عدالت بدست آورند.	**کتابی، امیرعلی (۱۴۰۰)**
۶۰	پیوند هویت دین - ملی با سیاست خارجی عدالت‌محور	امتزاج اسلامیت و ایرانیت با عدالت خارجی	گفتمان اصول‌گرایی عدالت‌محور در سیاست خارجی دولت احمدی‌نژاد بر دو محور اسلامیت و ایرانیت همراه با یاری مستضعفان استوار بود، رویکردی که در بیانیه‌های رسمی بر ضرورت حمایت از ملت‌های تحت فشار تأکید داشت و ایران را به‌عنوان رهبر اخلاقی منطقه معرفی می‌کرد.	**دهقانی فیروزآبادی ، سیدجلال (۱۳۸۶)**
۶۱	تمرکز بر دیپلماسی انسان‌محور	تأکید بر اولویت ملت‌های محروم	تحلیل سخنرانی وزیر خارجه نشان می‌دهد که دال یاری مستضعفان به‌عنوان پیام اصلی مورد تأکید قرار گرفت و این رویکرد در اسناد سیاست خارجی به‌صورت «اولویت حمایت از ملت‌های محروم» ترجمه شد.	**دهقانی فیروزآبادی ، سیدجلال (۱۳۸۶)**
۶۲	محدودسازی گفتمان عدالت بر اساس ملاحظات امنیتی	تضاد امنیت ملی و اصول اخلاقی	با وجود برجسته‌سازی عدالت در سیاست خارجی، دهقانی‌فیروزآبادی اشاره می‌کند که تضاد منافع امنیت ملی و عمل به تعهدات اخلاقی، گاه گفتمان عدالت را به سمت گزینش هدف‌مند محدود کرده است.	**دهقانی فیروزآبادی ، سیدجلال (۱۳۸۶)**
۶۳	گسترش گفتمان عدالت فراملی با گفتمان مقاومت	تلفیق مقاومت و عدالت جهانی	متن گزارش نماینده ایران در نهادهای بین‌المللی نشان می‌دهد که گفتمان عدالت‌محور با گفتمان مقاومت تلفیق شده و شعار نه شرقی، نه غربی به‌صورت عدالت همه‌جهانی بازتفسیر گشت.	دهقانی فیروزآبادی ، سیدجلال
۶۴	تقویت ابزارهای عملی تحقق عدالت در سیاست خارجی	نیاز به دیپلماسی چندجانبه	پژوهشگر نتیجه می‌گیرد که این گفتمان عدالت خارجی، اگرچه هنجاری غنی داشت اما برای تحقق آن نیازمند ابزار دیپلماسی سازنده‌تر و همکاری چندجانبه بود که در آن دولت ایران نقش میانجی‌گر را نیز ایفا نماید.	**دهقانی فیروزآبادی ، سیدجلال (۱۳۸۶)**

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

فصلنامه پژوهش های نوین در علوم انسانی و حقوق دوره ۱- شماره ۳ – صفحات۷۶-۶۰
Journal of new Researches in Humanities and Law
ISSN 3060-6101

۶۵	تعدیل گفتمان خارجی در برابر منافع ملی	جابجایی از مقابله به تعامل مسئولانه	در گفتمان عدالت دوره پس از دولت اصول‌گرا، دال «مقابله با هژمونی قدرت‌های بزرگ» جای خود را به «تعامل مسئولانه با جهان» داد تا توازن میان اصول عدالت‌محور و منافع ملی برقرار شود.	**دهقانی فیروزآبادی ، سیدجلال (۱۳۸۸)**
۶۶	تمرکز بر همکاری منطقه‌ای به جای کلی‌نگری	تقلیل عدالت جهانی به منطقه‌ای	متون سیاست خارجی حکایت از آن دارد که پس از ۱۳۸۸، مفهوم عدالت جهانی با رویکردی واقع‌بینانه‌تر به عدالت منطقه‌ای تقلیل یافت و کشورهای همسایه در اولویت همکاری‌های اقتصادی و اجتماعی قرار گرفتند.	**دهقانی فیروزآبادی ، سیدجلال (۱۳۸۸)**
۶۷	تحقق جزئی عدالت از طریق نهادسازی منطقه‌ای	گسترش همکاری با سازمان‌های منطقه‌ای	گزارش‌های آماری وزارت خارجه نشان می‌دهد که میزان همکاری ایران با سازمان‌های منطقه‌ای توسعه‌ای نظیر اکو افزایش یافته و این اقدام در گفتمان رسمی به‌مثابه گامی در جهت تحقق عدالت منطقه‌ای توصیف شد.	**دهقانی فیروزآبادی ، سیدجلال (۱۳۸۸)**
۶۸	ضرورت پیوند گفتمان با حقوق بین‌الملل	انعطاف‌پذیری گفتمان عدالت خارجی	این پژوهش نتیجه می‌گیرد که گفتمان عدالت در سیاست خارجی ایران، ظرفیت انعطاف با شرایط بین‌المللی را دارد؛ به شرط آنکه با ابزارهای حقوق بین‌الملل و نهادهای چندجانبه همراه شود.	**دهقانی فیروزآبادی ، سیدجلال (۱۳۸۸)**
۶۹	قابلیت الگوبرداری برای کشورهای مشابه	ارائه مدل عدالت اسلامی منطقه‌ای	اسناد نهادهای بین‌المللی خاطرنشان می‌کنند که ایران می‌تواند با ارائه مدل عدالت اسلامی منطقه‌ای الگویی برای کشورهای در حال توسعه باشد؛ مدلی که ترکیبی از ارزش‌های بومی و سازوکارهای فراملی است.	**دهقانی فیروزآبادی ، سیدجلال (۱۳۸۸)**
۷۰	مقابله با تبعیض نمادین و فرهنگی	ضرورت بازشناسی فرهنگی	او نشان می‌دهد که تمرکز صرف بر بازتوزیع بدون بازشناسی منجر به نادیده‌گرفتن تبعیض‌های نمادین و فرهنگی می‌شود و بر این اساس عدالت باید هم‌زمان در دو سطح ماده و معنا دنبال گردد تا تحقق انصاف اجتماعی ممکن شود.	**Fraser (۲۰۰۱)**
۷۱	شاخص عدالت مشارکتی	مشارکت برابرانه	Fraserمفهوم مشارکت برابرانه را مطرح می‌کند که در آن همه ی اعضای جامعه باید امکان مشارکت در فرایندهای سیاسی و فرهنگی را داشته باشند و نبود مشارکت، نشانه ی نابرابری در ساختارهای هنجاری جامعه است.	**Fraser (۲۰۰۱)**
۷۲	تضمین تنوع و شمول	اصلاح نظام‌های فرهنگی	به باور او، یک سیاست عدالت اجتماعی موفق باید علاوه بر ابزارهای مالی، به اصلاح نظام‌های فرهنگی از طریق حمایت از تنوع زبانی، مذهبی و قومی نیز بپردازد تا همه گروه‌ها بتوانند صدای خود را در ساختار عمومی مطرح کنند.	**Fraser (۲۰۰۱)**
۷۳	هم‌افزایی ابعاد عدالت	یکپارچگی بازتوزیع و بازشناسی	او در نهایت تأکید می‌کند که بازشناسی و بازتوزیع نباید به‌صورت دو جزء جدا عمل کنند؛ بلکه یک چارچوب عملیاتی یکپارچه لازم است تا تضاد میان افزایش عدالت اقتصادی و عدالت فرهنگی برطرف گردد.	**Fraser (۲۰۰۱)**
۷۴	تغییر ساختارهای قدرت نمادین	تلفیق فرآیندهای مادی و نمادین	بر این اساس، عدالت اجتماعی باید همواره همزمان به جنبه‌های مادی توزیع منابع و جنبه‌های نمادین بازشناسی هویت‌ها توجه کند تا ساختارهای قدرت نمادین تغییر یابند و جامعه به سمت انصاف کلان حرکت کند.	**Fraser (۲۰۰۱)**
۷۵	محدودسازی حوزه سخن و بازتولید قدرت	گفتمان به‌مثابه سازوکار قدرت و دانش	فوکو گفتمان را مجموعه‌ای از گزاره‌ها می‌داند که تعیین می‌کنند چه چیزهایی قابل گفتن هستند و چه چیزهایی از حیطه سخن خارج می‌ماند، این سازوکار نه‌تنها شکل‌دهنده دانش است بلکه بازتولیدگر قدرت نیز محسوب می‌شود.	**Foucault (۱۹۷۲)**
۷۶	آشکارسازی قدرت در لایه‌های پنهان	کاوش قواعد ضمنی زبان	او با معرفی مفهوم تاریخچه‌شناسی گفتمان نشان می‌دهد که باید لایه‌های پنهان زبان و قواعد ضمنی آن را کاوش کرد تا ساختارهای قدرت درون گفتمان‌های رسمی آشکار گردد.	**Foucault (۱۹۷۲)**
۷۷	تضاد مشروعیت گزاره‌ها	پیوند قدرت و دانش	فوکو رابطه میان قدرت و دانش را بررسی می‌کند و می‌گوید هر نوع دانش تولیدشده، خود محصول شبکه‌های قدرت است که شواهد و محدودیت‌های خاصی را بر اعتبار گزاره‌ها تحمیل می‌کنند.	**Foucault (۱۹۷۲)**
۷۸	نظام‌مندی گزاره‌ها و تاریخچه شناسی	تشکیلات گفتمانی	مفهوم تشکیلات گفتمانی توسط او ارائه شد تا توضیح دهد چگونه گزاره‌ها در یک دوره تاریخی به هم پیوند می‌خورند و یک نظام دانش- قدرت را شکل می‌دهند.	**Foucault (۱۹۷۲)**
۷۹	استخراج سکوت‌های نمادین	باستان‌شناسی دانش	فوکو از روش باستان‌شناسی دانش بهره می‌گیرد و معتقد است باید لایه‌های پنهان متون و اسناد را کاوید تا قواعد بی‌سخنی و سکوت‌های گفتمانی نیز فهمیده شوند.	**Foucault (۱۹۷۲)**

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

فصلنامه پژوهش های نوین در علوم انسانی و حقوق دوره ۱- شماره ۳ – صفحات۷۶-۶۰
Journal of new Researches in Humanities and Law
ISSN 3060-6101

۸۰	پیوند زبان و ساختارهای اجتماعی	گفتار به‌مثابه عمل اجتماعی	فیرکلاف شاخصه گفتار به‌مثابه عمل اجتماعی را مطرح می‌کند و می‌گوید تحلیل گفتمان انتقادی باید رابطه ی متن و ساختارهای اجتماعی حامی آن را بررسی نماید تا نقش زبان در بازتولید قدرت و ایدئولوژی مشخص شود.	Fairclough (۱۹۹۲)
۸۱	ترکیب متن، فرایند و زمینه	مدل سه بعدی CDA	او مدل سه‌بعدی خود را معرفی می‌کند: تحلیل متن، فرایند تولید و مصرف متن و زمینه‌های اجتماعی بزرگ‌تر؛ و معتقد است توجه به هر سه بعد، امکان فهم انتقادی گفتمان را فراهم می‌آورد.	Fairclough (۱۹۹۲)
۸۲	همپوشانی گفتمان‌ها	بین‌گفتاری	فیرکلاف بر اهمیت بین‌گفتاری تأکید دارد که در آن بخشی از گفتمان‌ها به‌صورت تلفیقی از چند گفتمان دیگر شکل می‌گیرد و این همپوشانی، ساختار قدرت را پیچیده‌تر می‌سازد.	Fairclough (۱۹۹۲)
۸۳	شناسایی منافع پنهان	گره‌خوردگی زبان و ایدئولوژی	در تحلیل انتقادی سیاست، فیرکلاف پیشنهاد می‌کند به گره‌خوردگی زبان و ایدئولوژی توجه شود تا فهمید یک گزاره چگونه اهداف سیاسی خاصی را در متن سیاستگذاری حمایت می‌کند.	Fairclough (۱۹۹۲)
۸۴	رصد همزمانی تغییر متن و ساختار	تحلیل تحول گفتمانی	او تأکید دارد که تحلیل گفتمان باید به تغییرات ناشی از دگرگونی اجتماعی نیز بپردازد تا بتوان روند تحول گفتمانی را در پیوند با تغییرات ساختاری و ایدئولوژیک فهمید.	Fairclough (۱۹۹۲)
۸۵	تضمین انسجام میان تحلیلگران	تدوین کتابچه ی کد	در روش تحلیل مضمون کاربردی، تاکید بر تدوین کتابچه ی کد است که شامل دستورالعمل‌های دقیق برای ورود، تعریف و به‌روزرسانی کدها می‌باشد و کمک می‌کند تحلیلگران با تداوم و انسجام میان تیم‌های تحقیق هماهنگ باقی بمانند.	Guest et al.(۲۰۱۲)
۸۶	معیار قطع فرایند کدگذاری	نقطه اشباع داده	آن‌ها ابزار نقطه اشباع داده را معرفی می‌کنند و معتقدند که هنگامی می‌توان کدگذاری را متوقف کرد که هیچ ایده ی مفهومی جدیدی استخراج نشود و تحلیل تا رسیدن به اشباع مفهومی ادامه یابد.	Guest et al.(۲۰۱۲)
۸۷	تلفیق نظریه و داده	تعادل کدگذاری القایی و قیاسی	پژوهشگران بر تعادل میان کدگذاری القایی (بدون پیش‌فرض) و قیاسی (براساس تئوری‌ها) تأکید دارند و توصیه می‌کنند پیش از شروع، چارچوب نظری اولیه مشخص و همزمان آماده ی بازبینی براساس مشاهدات میدانی باشد.	Guest et al.(۲۰۱۲)
۸۸	مستندسازی فرایند	ثبت زمان‌بندی و بازبینی‌های مکرر	آن‌ها فهرستی از نکات عملی برای بهبود پایایی شامل ثبت دقیق زمان‌بندی تحلیل، نسخه‌برداری از جلسات تبادل نظر و ذخیره‌سازی نسخه‌های بازبینی‌شده ارائه کرده‌اند که به افزایش شفافیت روند کمک می‌کند.	Guest et al.(۲۰۱۲)
۸۹	تضمین کیفیت و دقت کدگذاری	استفاده از چک‌لیست اطمینان‌سنجی	همچنین ابزار «چک‌لیست اطمینان‌سنجی کد» را پیشنهاد می‌کنند که شامل مجموعه‌ای از سوال‌ها برای سنجش جامعیت و دقت کدها و اطمینان از تکرارپذیری تحلیل است.	Guest et al.(۲۰۱۲)
۹۰	مولفه‌های کلیدی روایی	چهار معیار اعتمادپذیری	برای تضمین معیارهای اعتمادپذیری، ناول و همکاران چهار مولفه را معرفی می‌کنند: اعتبار[۱۲]،اتکا[۱۳]، انتقال‌پذیری[۱۴] و تأییدپذیری[۱۵]که هر یک باید به‌صورت تفصیلی ارزیابی و گزارش شوند.	Nowell et al. (۲۰۱۷)
۹۱	مقابله با سوگیری منابع	شواهد چندمنبعی	آن‌ها روش شواهد چندمنبعی را توصیه می‌کنند، یعنی استفاده از منابع مختلف (سخنرانی، اسناد، مصاحبه) برای کدگذاری و تطبیق نتایج به منظور افزایش اعتبار یافته‌ها.	Nowell et al. (۲۰۱۷)
۹۲	بهبود اعتبار از طریق نقد همتا	بازخورد مشورتی	استفاده از بازخورد مشورتی با همکاران روش دیگری است که توصیه شده؛ به طوری که نسخه اولیه تحلیل و کدها در جلسات تخصصی نقد و بازنگری گردد تا از انحراف تحلیلی جلوگیری شود.	Nowell et al. (۲۰۱۷)
۹۳	کنترل سوگیری تحلیلی	یادداشت‌های منعکس‌کننده	آن‌ها بر ضرورت بازنگری انعکاسی تأکید دارند، یعنی پژوهشگران باید یادداشت‌های منعکس‌کننده ی پیش‌فرض‌ها و احساسات خود را ثبت کنند تا تأثیر سوگیری شخصی بر تحلیل کاهش یابد.	Nowell et al. (۲۰۱۷)
۹۴	سنجش توافق میان تحلیلگران	آزمون ضریب کاپا	در نهایت، آزمون اعتماد بین‌کدگذار استفاده از روش‌هایی مانند محاسبه ضریب کاپا پیشنهاد شده تا میزان تطابق کدگذاری مستقل دو یا چند پژوهشگر سنجیده شود.	Nowell et al. (۲۰۱۷)
۹۵	جذب و انسجام معناها در گفتمان	هژمونی گفتمانی	لاکلائو و موفه مفهوم هژمونی را معرفی می‌کنند که فرایندی است که در آن یک گفتمان گسترده با پیوند دال‌های شناور به دال مرکزی، توانایی جذب معناها و تحمیل منطق خود را بر جامعه به دست می‌آورد.	Laclau & Mouffe (۲۰۰۱)
۹۶	اتصال دال‌های شناور به هسته مرکزی	مفصل‌بندی	آن‌ها مفصل‌بندی را فرایندی می‌دانند که معناهای چندگانه به یک دال مرکزی پیوند می‌خورند و این اتصال امکان بسط گفتمان در حوزه‌های مختلف سیاسی و اجتماعی را فراهم می‌آورد.	Laclau & Mouffe (۲۰۰۱)
۹۷	انعطاف معنایی و رقابت گفتمانی	دال شناور	مفهوم دال شناور نیز معرفی شده، نشانه‌ای که می‌تواند معانی متفاوتی به خود بگیرد و در نتیجه گفتمان‌های رقیب برای کسب هژمونی بر سر تعریف آن به رقابت می‌پردازند.	Laclau & Mouffe (۲۰۰۱)
۹۸	اتحاد مطالبات برای تقویت گفتمان	زنجیره هم‌ارز قوا	زنجیره ی هم‌ارز قوا شرح می‌دهد چگونه گروه‌ها و خواسته‌های مختلف با یکدیگر متحد می‌شوند تا هویت گفتمانی واحدی بسازند و منطق گفتمان غالب را تقویت کنند.	Laclau & Mouffe (۲۰۰۱)
۹۹	ساخت هویت گفتمانی از طریق تعریف دیگری‌ها	تضاد و ارواییسازی	آن‌ها به نقش تناقض و ارواییسازی اشاره می‌کنند که گفتمان غالب با نشان‌دادن گروه‌های دیگری تعریف می‌شود و امکان تقویت هژمونی از طریق برجسته‌سازی این تضادها فراهم می‌شود.	Laclau & Mouffe (۲۰۰۱)

تم‌های نهایی، مضامین

ردیف	تم نهایی	مضامین	کدهای اولیه
۱	عدالت توزیعی	اجرا و کاستی‌های سیاست‌های درمانی	**فاصله شعار و واقعیت در عدالت درمانی، انطباق نارضایتمند میان هدف و اجرا، فشار مالی طرح تحول سلامت**
۲		چشم‌انداز و تحدیدهای سیاست‌های رفاهی	**ظهور چهار گفتمان رفاهی، برون‌سپاری بخشی از خدمات رفاهی، انحراف توزیعی یارانه‌ها، بازتعریف نظام رفاه به پوشش چندلایه، نیاز به نظارت دوره‌ای بر سیاست‌های رفاهی**
۳		نابرابری و ناکارآمدی در توزیع مسکن و توسعه روستایی	**تبعیض شهری-روستایی در سیاست مسکن، عدم تخصیص واقعی بودجه مصوب، تضاد اولویت اقتصادی و برنامه مسکن، متمرکزسازی تخصیص منابع، ناکافی‌بودن طرح‌های اشتغال فصلی، تقلیل نقش شوراهای محلی به نمایشی، انتقال تخصیص از بالا-پایین به مشارکتی**
۴	عدالت مشارکتی	تحول گفتمان عدالت جنسیتی و مشارکت زنان	**بازتعریف متغیر عدالت جنسیتی، توانمندسازی اقتصادی زنان، تقابل ارزش و فرصت در گفتمان جنسیتی، تغییر بستر رسانه‌ای در گفتمان جنسیتی، پیوند عدالت جنسیتی با مشارکت**
۵		ظرفیت‌سازی مشارکت مردمی	**مشارکت برابرانه، نهادسازی کرسی‌های آزاداندیشی، کنشگری مستقل نهادهای مدنی، ارتباط مشارکت مدنی و کاهش فقر**

[۱۲] Credibility
[۱۳] Dependability
[۱۴] Transferability
[۱۵] Confirmability

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

فصلنامه پژوهش های نوین در علوم انسانی و حقوق دوره ۱- شماره ۳ – صفحات۷۶-۶۰
Journal of new Researches in Humanities and Law
ISSN 3060-6101

۶		مدل‌های یکپارچه برای عدالت توزیعی و مشارکتی	پیشنهاد مدل عدالت تلفیقی، پیوند سنجش کمی و تحلیل کیفی
۷	عدالت هنجاری	بنیان‌های فلسفی و حقوقی گفتمان عدالت	تلفیق فلسفه سیاسی و شریعت، تمایز روایت هستی‌شناختی و هنجاری، اولویت هنجار بر هستی‌شناسی، ثبات هسته ی شیعی عدالت، جایگاه قانون اساسی در هنجارسازی
۸		تطور و انعطاف‌پذیری گفتمان عدالت	نوسان تمرکز بر فرد و جمع، انعطاف‌پذیری دو محور فقیرمداری و توسعه، میان‌راهی توزیع و رشد، گفتمان به‌مثابه محصول تعامل تاریخی
۹		گفتمان عدالت در عرصه بین‌الملل	دفاع از مستضعفان جهانی، نقد هژمونی غرب، تضاد گفتار و کردار دیپلماسی، محدودسازی گفتمان به منافع ملی، تأکید بر بازسازی نهادهای بین‌المللی
۱۰		عدالت فرهنگی و نمادین	ضرورت بازشناسی فرهنگی، اصلاح نظام‌های فرهنگی، یکپارچگی بازتوزیع و بازشناسی، تلفیق فرآیندهای مادی و نمادین
۱۱		قدرت و ساختار گفتمانی	گفتمان به‌مثابه سازوکار قدرت و دانش، کاوش قواعد ضمنی زبان، پیوند قدرت و دانش، تشکیلات گفتمانی، باستان‌شناسی دانش
۱۲		رویکردهای روش‌شناختی تحلیل مضمون	تدوین کتابچه ی کد، نقطه اشباع داده، تعادل کدگذاری القایی و قیاسی، ثبت زمان‌بندی و بازبینی‌های مکرر، استفاده از چک‌لیست اطمینان‌سنجی
۱۳		تضمین روایی و پایایی در تحلیل مضمون	چهار معیار اعتمادپذیری، شواهد چندمنبعی، بازخورد مشورتی، یادداشت‌های منعکس‌کننده، آزمون ضریب کاپا

منابع فارسی

[۱]. براتعلی‌پور، مهدی. (۱۳۹۴). الگوپردازی سیاست عدالت اجتماعی در ایران پس از انقلاب اسلامی؛ پاسخی به ناسازنمایی دو روایت هستی‌شناختی و هنجاری. پژوهش‌های سیاست اسلامی, ۳(۸), ۳۳–۵۶ https://sid.ir/paper/۵۰٤۱۵۹/fa .

[۲]. صفری‌شالی، رضا. (۱۳۹۴). تحلیل گفتمان عدالت جنسیتی در لوایح و برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران. مطالعات جامعه‌شناختی (نامه علوم اجتماعی), ۲۲(۲), ۲۱۱–۲۳۷ https://sid.ir/paper/۲٦٤۳۸۸/fa .

[۳]. صفری‌شالی، رضا. (۱۳۹۵). گفتمان عدالت دولت‌های پس از انقلاب در حوزه سلامت. مطالعات راهبردی, ۱۹(۴), ۸۹–۱۱۴ https://sid.ir/paper/۹۲۷۱۵/fa .

[۴]. صفری‌شالی، رضا. (۱۴۰۱). گفتمان عدالت در حوزه مسکن در برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بعد از انقلاب اسلامی ایران. مطالعات جامعه‌شناختی, ۲۹(۱), ۱۹۵–۲۲۶.

[۵]. خواجه‌سروی، غلامرضا. (۱۳۸۶). فراز و فرود گفتمان عدالت در جمهوری اسلامی ایران. دانش سیاسی, ۳(۶), ۵–۳۵ https://sid.ir/paper/۱۳٤۵۳۹/fa .

[۶]. پیشگاهی‌فرد، زهرا، و زارعی، بهادر. (۱۳۸۹). عدالت اسلامی و گفتمان انتقادی در سیاست خارجی ایران. سیاست–مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی, ۴۰(۳), ۷۵–۹۲ https://sid.ir/paper/۱۱۰۰۸۲/fa .

[۷]. آدمی، علی، و ابویسانی، سعیده. (۱۳۹۵). گفتمان انقلاب اسلامی و اندیشه عدالت ساختاری برای جهانی عاری از خشونت. اندیشه سیاسی در اسلام, ۲(۷), ۷–۳۱ . https://sid.ir/paper/۲٦۷۱۷۳/fa

[۸]. خرم‌شاد، محمدباقر. (۱۳۸۱). میزگرد گفتمان انقلاب اسلامی. اندیشه انقلاب اسلامی, ۱(۱), ۰–۰ https://sid.ir/paper/٤۷۸۹۰۸/fa .

[۹]. سیدی، فرانک. (۱۴۰۰). بازتولید پرسمان مشارکت سیاسی–اجتماعی زنان در گفتمان انقلاب اسلامی. جامعه‌شناسی سیاسی انقلاب اسلامی, ۲(۲), ۷–۲۸ . https://sid.ir/paper/۱۰٦۰۱۲۲/fa

[۱۰]. کردزنگنه، منوچهر، وحیدا، فریدون، و مهاجرانی، علی‌اصغر. (۱۳۹۹). تحلیل گفتمان معنای توسعه جوامع روستایی در برنامه‌های پنج‌ساله دولت بعد از انقلاب اسلامی ایران. توسعه اجتماعی, ۱۵(۲), ۲۰۹–۲۸۰ https://sid.ir/paper/۹۵۲۵۹۳/fa .

[۱۱]. زایرکعبه، رحیم، قریشی‌فرد، فردین، &علی‌زاده اقدم، محمدباقر. (۱۳۹۶). زمینه‌های جامعه‌شناختی تکوین گفتمان‌های عدالت اجتماعی در ایران: مطالعه موردی دولت‌های پس از انقلاب اسلامی. جامعه‌شناسی سیاسی جهان اسلام, ۵(۲), ۹۳–۱۲۲ https://sid.ir/paper/۲٦۰۵۳۵/fa .

[۱۲]. اسدی‌زاهد، زهرا، زاهدی مازندرانی، محمدجواد، &ربیعی، علی. (۱۴۰۰). تحلیل گفتمان رفاه و تأمین اجتماعی در دولت‌های پس از انقلاب اسلامی. پژوهش‌های جامعه‌شناسی معاصر, ۱۰(۱۹), ۸۹–۱۱۵ https://sid.ir/paper/۹۲۷۱۵/fa .

[۱۳]. کتابی، امیرعلی. (۱۴۰۰). نسبت‌سنجی عدالت اجتماعی با الگوهای توسعه دولت‌های پس از انقلاب اسلامی. جامعه‌شناسی سیاسی انقلاب اسلامی, ۲(۴), ۲۹–۵۲ https://sid.ir/paper/۱۰٦۰٦۲۵/fa .

[۱۴]. دهقانی‌فیروزآبادی، سیدجلال. (۱۳۸۶). گفتمان اصول‌گرایی عدالت‌محور در سیاست خارجی دولت احمدی‌نژاد. دانش سیاسی, ۳(۵), ۶۷–۹۸ . https://sid.ir/paper/۱۳٤۵۱٤/fa

[۱۵]. دهقانی‌فیروزآبادی، سیدجلال. (۱۳۸۸). گفتمان عدالت در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران. معرفت سیاسی, ۱(۱), ۰–۰ . https://sid.ir/paper/٤۷٤۳۵۰/fa

منابع انگلیسی

[۱۶] .Braun, V., & Clarke, V. (۲۰۰٦). Using thematic analysis in psychology. Qualitative Research in Psychology, ۳(۲), ۷۷–۱۰۱.

[۱۷] .Fraser, N. (۲۰۰۱). Redistribution or recognition? A political–philosophical exchange. Verso.

[۱۸] .Foucault, M. (۱۹۷۲). The archaeology of knowledge. Pantheon Books.

[۱۹] .Fairclough, N. (۱۹۹۲). Discourse and social change. Polity Press.

[۲۰] .Guest, G., McQueen, K. M., & Namey, E. (۲۰۱۲). Applied thematic analysis. SAGE Publications.

[۲۱] .Nowell, L. S., Norris, J. M., White, D. E., & Moules, N. J. (۲۰۱۷). Thematic analysis: Striving to meet the trustworthiness criteria. International Journal of Qualitative Methods, ۱٦, ۱۵۱۳.

[۲۲] .Laclau, E., & Mouffe, C. (۲۰۰۱). Hegemony and socialist strategy. Verso.

[۲۳] .Putnam, R. D. (۱۹۹۳). Making democracy work: Civic traditions in modern Italy. Princeton University Press.

[۲۴] .Rawls, J. (۱۹۷۱). A theory of justice. Harvard University Press.

Sanders, L. M. (۱۹۹۷). Against deliberation. Political Theory, ۲۵(۳), ۳٤۷–۳۷٦.

[۲۵] .Sen, A. (۲۰۰۹). The idea of justice. Belknap Press of Harvard University Press.

Archive of SID.ir